

آزاد و برابر زاده شده ایم

گرایش جنسی و هویت جنسی بر
اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر



ملل متحد
نهاد حقوق بشر
دفتر کمیسر عالی

آزاد و برابر زاده شدیم

گرایش جنسی و هویت جنسی بر
اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر



ملل متحد
نهاد حقوق بشر
دفتر کمیسر عالی

نیویورک و ژنو ۲۰۱۳

توجه

اشاره‌های صورت گرفته در این متن و مطالب ارائه شده در این انتشار، به هیچ عنوان بیانگر نظرات دبیرخانه سازمان ملل در زمینه وضعیت حقوقی، مناطق تحت کنترل، و یا نحوه مرزبندی کشورها، مناطق، شهرها و یا نواحی نیست.

در متن و پانوشته‌ها، شما با حروف انگلیسی بزرگ، نمادهای سازمان ملل را می‌بینید که با اعدادی همراه شده‌اند. این حروف و اعداد شما را به یک سند رسمی سازمان ملل متحد هدایت می‌کنند.

شماره این سند چنین است:

HR/PUB/12/06

حقوق قانونی این جزوه © متعلق به سازمان ملل متحد ۲۰۱۲ است

تمام حقوق نشر این جزوه در سرتاسر جهان محفوظ است.

در ترجمه فارسی این جزوه، از ترجمه رسمی قوانین بین‌المللی استفاده شده است که تمامی آنها را می‌توانید به زبان فارسی در این لینک بخوانید:
<http://www.unic-ir.org/p2unic.php?pg=19>

در ترجمه این جزوه، به جای عبارت ال‌جی‌بی‌تی در زبان فارسی از «دگرباش جنسی» استفاده شده است.



I G L H R C

ترجمه شده توسط کمیسیون بین‌المللی
حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا

فهرست

۸	پیش‌گفتار
۱۰	مقدمه
۱۴	خلاصه توصیه‌ها
	پنج التزام اساسی دولت‌ها در ارتباط با حفاظت از حقوق بشر دگرباشان
۱۵	جنسی
	۱ - حفاظت افراد از خشونت‌های ناشی از همجنس‌گراهراسی و
۱۲	تراجنسی‌هراسی
۲۴	۲ - منع عذاب، شکنجه، رفتار غیرانسانی و خفت‌آور نسبت به دگرباشان جنسی
۳۰	۳ - جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی
۴۰	۴ - منع تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی
	۵ - احترام به آزادی بیان، حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های
۵۷	مسالمت‌آمیز
۶۳	نتیجه‌گیری



برخورداری دگرباشان جنسی (اعم از زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی) از حقوقی برابر با دیگر افراد جامعه نه امری پیچیده است و نه زیاده‌خواهی. این موضوع بر دو اصل مهم قوانین بین‌المللی حقوق بشر استوار است: برابری و عدم تبعیض. در ابتدای اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر، به صراحت نوشته شده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.» با این وجود، رفتارهای همجنس‌گراهراس (هموفوبیا) نفوذ کرده به عمق جامعه، اغلب با عدم حمایت قانونی کافی در برابر تبعیض به خاطر گرایش و هویت جنسی همراه می‌شود و در نتیجه، دگرباشان

جنسی بسیاری را در تمامی سن‌ها و در تمامی مناطق جهان، با نقض فاحش حقوق بشر مواجه می‌کند. این افراد در محیط کار، در مدارس و بیمارستان‌ها، با تبعیض مواجه می‌شوند و در کنار آن، بدرفتاری و طرد شدن توسط خانواده‌های خود را نیز شاهد هستند. در خیابان‌های شهرها، شهرستان‌ها و روستاها در سرتاسر جهان، این افراد تحت حملات فیزیکی (ضرب و شتم، تجاوز و آزار جنسی، شکنجه و قتل) قرار می‌گیرند. در حدود ۷۶ کشور جهان امروز و بر اساس قوانینی تبعیض‌آمیز، روابط جنسی و خصوصی رضایت‌مندان بین دو همجنس جرم محسوب می‌شود - یعنی افراد در این کشورها در معرض خطر دستگیری، محاکمه و زندان قرار دارند.

نگرانی در این موارد و خشونت‌های مرتبط با آن، بارها توسط سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر در این سازمان از اوایل دهه ۱۹۹۰ بیان شده است. از جمله این مکانیزم‌ها می‌توان به «نهادهای نظارت بر معاهدات» که هدفشان نظارت بر حسن اجرای معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر توسط کشورها می‌باشد، اشاره کرد. گزارش‌گر ویژه و سایر کارشناسان مستقلی که برای تحقیق و تهیه گزارش در مورد چالش‌های بزرگ حقوق بشر - از کمیسیون سابق حقوق بشر و جانشین امروزی آن، شورای حقوق بشر - بدین مقام منصوب گردیده‌اند نیز از جمله این سازمان‌ها محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر در قطعنامه‌ای «نگرانی عمیق» خود را در مورد خشونت و تبعیض علیه افراد به خاطر گرایش و هویت جنسی آنان، ابراز داشت. هرچند نیاز به اقداماتی موثر برای پایان دادن به این خشونت‌ها و تبعیض‌ها به طور فزاینده‌ای در کشورهای گوناگون به رسمیت شناخته شده است، اما این امر هنوز در سطح بین‌المللی مورد قبول تمامی کشورها قرار نگرفته است.

پایان دادن به خشونت و تبعیض علیه افراد به خاطر گرایش و هویت جنسی آنان، یک چالش بزرگ در حقوق بشر جهان امروز است. امیدوارم این جزوه که مجموعه‌ای از وظایف قانونی است که هر دولتی

نسبت به دگرباشان جنسی خود دارد، بتواند به این بحث هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی کمک کند، یعنی کمکی باشد در هر جایی که نیازمند کمک‌رسانی در آن هستیم.

با وجود تمامی مشکلات موجود، اکنون زمان امیدواری است: تعداد فزاینده‌ای از کشورها هم‌اکنون حساسیت این موضوع و همچنین نیاز به اقدامی موثر در این زمینه را درک کرده‌اند. با تعهد و تلاش‌های مشترک دولت‌ها و جامعه مدنی، مطمئن هستیم که ما، تبدیل شدن اصل برابری و اصل عدم تبعیض به واقعیت را برای میلیون‌ها نفر از دگرباشان جنسی در سراسر جهان شاهد خواهیم بود.



ناوی پیلائی

کمیسر عالی حقوق بشر

سازمان ملل متحد

بعد از چند دهه که عباراتی مانند «تمایل جنسی» و «هویت جنسی» به ندرت در ملاقات‌های رسمی بین دولت‌ها در سازمان ملل بیان می‌شد، بحث و مذاکره در مورد حقوق افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا و تراجنسی (دگرباشان جنسی) در شورای حقوق بشر در ژنو آغاز شد. مذاکرات شورا از منظر سیاسی توجه‌ها را بر قوانین و اعمال تبعیض‌آمیز در سطح ملی متمرکز ساخت و بر التزام دولت‌ها تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر، برای ذکر این مسایل از طریق قانون‌گذاری و معیارهای دیگر تاکید کرد. در ژوئن ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل، قطعنامه ۱۷/۱۹ را تصویب کرد که اولین قطعنامه سازمان ملل در مورد مساله حقوق بشر، گرایش و هویت جنسی است. قطعنامه با کمترین آرا تصویب شد، ولی بطور چشم‌گیری حمایت اعضای شورا را در تمامی مناطق جغرافیایی جهان کسب کرد. تصویب این قطعنامه راه را برای اولین گزارش رسمی سازمان ملل در همین موضوع هموار ساخت و این گزارش توسط دفتر کمیسر عالی حقوق بشر آماده ارائه شد.^۱

گزارش کمیسر عالی، شواهدی را از خشونت و تبعیض سازمان‌یافته علیه افراد در تمامی مناطق جغرافیایی جهان، به علت گرایش و هویت جنسی‌شان نشان می‌داد. این موارد شامل بر تبعیض در استخدام، خدمات درمانی و تحصیل، تا جرم شناختن روابط همجنس‌خواهانه و حملات فیزیکی و حتی کشتن افراد می‌باشد. این گزارش شامل بر تعدادی از توصیه‌ها خطاب به دولت‌ها است تا بتوان به حمایت کافی از حقوق بشر افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا و تراجنسی (دگرباشان جنسی)^۲ رسید. نتایج این گزارش، پایه و اساس بحث انجام گرفته را در ۷ مارچ ۲۰۱۲ در شورا شکل داد و این نخستین مرتبه‌ای بود که نهادی بین‌دولتی در سازمان ملل، مناظره‌ای با این موضوع برگزار کرد.

کمیسر عالی، ناوی پیلای، این گزارش را در آغاز مذاکره به شورا ارائه داد و با تاکید فراوان از دولت‌ها خواست تا به شروع «فصل تازه‌ای» در تاریخ سازمان ملل کمک کنند و این فصل متمرکز بر پایان دادن به خشونت و تبعیض علیه تمامی مردم باشد، صرف‌نظر از «گرایش و هویت جنسی»

۱ گزارش کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، «قوانین و اعمال تبعیض‌آمیز و خشونت‌بار علیه افراد بر اساس گرایش و هویت جنسی آنان» (A/HRC/19/41).

۲ عبارت لزبین، گی، دوجنس‌گرا و تراجنسی بارها در این گزارش آمده است و در بیشتر جاها مخفف آن، «ال‌جی‌بی‌تی» (در متن جزوه فارسی، دگرباشان جنسی) استفاده شده است. این عبارت معنایی جهان‌شمول دارد، هرچند در هر فرهنگ، تفاوت معنایی خودش را خواهد شد (مانند کلماتی مثل Hija, Meti, lala, Skesana, Motsoalle, Mithli, kuchu, kawien, travesti, muxe, two-spirit و fa'afafine, fakaleiti, hamjensgara که فرهنگ‌های بومی مختلف) تمامی این کلمات برای توصیف روابط همجنس‌خواهانه استفاده شده‌اند، همچنین اشاره به هویت‌ها یا رابطه‌های همجنس‌گرایانه یا روابطی که متمرکز بر هویت جنسی افراد نیستند، دارند. در بسیاری از جاها در این متن، تبعیض علیه افراد دوجنسه هم قید شده است (یعنی افرادی که با ویژگی‌های دو جنسیت مرد و زن متولد می‌شوند).

که آن‌ها می‌توانند داشته باشند. دبیر کل سازمان ملل، بان کی مون نیز از طریق ویدئو خشونت و تبعیض علیه دگرباشان جنسی را «یک تراژدی بی‌اندازه هولناک برای آنانی که تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند و لکهای بر وجدان جمعی ما» خواند. او همچنین تاکید کرد که این موضوع، تخطی از قوانین بین‌المللی حقوق بشر است.

التزامات قانونی دولت‌ها، برای حفاظت از حقوق بشر جامعه دگرباشان جنسی، به‌خوبی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر، تحت عنوان اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر و پس از آن در معاهده بین‌المللی حقوق بشر بیان شده است. تمامی افراد صرف‌نظر از جنسیت، گرایش یا هویت جنسی خود، حق بهره‌مندی از امنیت قید شده برای آن‌ها توسط قوانین بین‌المللی حقوق بشر را دارند که عبارتند از احترام به حق زندگی، احترام به حق امنیت فرد و تامین فضای خصوصی افراد، حق رهایی از شکنجه، توقیف و حبس خودسرانه، حق رهایی از تبعیض و حق آزادی بیان و حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز.

هدف این جزوه، روشن ساختن و انتشار وظایف بنیادی دولت‌ها در ارتباط با دگرباشان جنسی و همین‌طور تلاش برای توصیف عملکرد و سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر در به‌کارگیری قوانین بین‌المللی پیرامون این موضوع است. در ۱۸ سال گذشته، نهادهای معاهده حقوق بشر سازمان ملل، خشونت‌های موجود علیه دگرباشان جنسی را به صورت سند رسمی درآورده‌اند و مطابقت و اطاعت دولت‌ها از قوانین حقوق بشر را ارزیابی کرده‌اند. این سازمان‌ها، مجموعه‌ای از شواهدی را جمع‌آوری کرده‌اند که نشان می‌دهد، چگونه افراد بخاطر هویت یا گرایش جنسی خود مورد حمله قرار گرفته‌اند و بر این اساس، مجموعه‌ای از توصیه‌ها به دولت‌ها ارائه شده است. بخش‌های بعدی این جزوه، به بیان خلاصه‌ای از یافته‌ها و توصیه‌هایی اختصاص دارد که به حکومت‌ها کمک خواهد کرد تا اقدامات لازم را برای عمل به تعهدات اساسی خود در زمینه حقوق بشر مورد اجرا درآورند. این جزوه همین‌طور به منظور راهنمایی و کمک برای مدافعان حقوق بشر و فعالان این عرصه است تا بتوانند با این کمک‌ها به دولت‌ها مسئولیت‌هایشان را در زمینه نقض و عدم رعایت قوانین بین‌المللی حقوق بشر متذکر شوند.

این جزوه پنج بخش دارد. هر بخش از جزوه با یادآوری وظایف دولت‌ها، مرتبط به قوانین بین‌المللی حقوق بشر شروع می‌شود و دیدگاه‌های نهادهای نظارت بر حسن اجرای معاهدات حقوق بشر و راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر را ارائه می‌دهد. گزیده گزارش‌های متخصصین این امر ارائه می‌شود و این گزیده‌ها تبدیل به مثال‌هایی از انواع سوءرفتارهای گذشته خواهند بود و تصویری کلی از وضعیت موجود در زمینه خشونت‌ها و تبعیض را در سطح جهان نشان می‌دهند. هر بخش با توصیه‌های خطاب به دولت‌ها پایان می‌گیرد.

محفاظت از افراد به خاطر گرایش و هویت جنسی آنان نیازمند ایجاد قوانین جدید یا حقوق خاص برای دگرباشان جنسی نیست؛ بلکه برخلاف آن، تنها نیازمند اجرای کامل قوانین بین‌المللی علیه

تبعیض بر اساس حقوق برابر افراد در جامعه است. ممنوعیت تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی، فقط محدود به قوانین بین‌المللی حقوق بشر نخواهد شد. دادگاه‌ها در بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که این چنین تبعیض‌ها، ناقض مقررات داخلی برآمده از قانون اساسی و نیز قوانین بین‌المللی می‌باشد. این موضوع همین‌طور توسط نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر و مهم‌تر از همه توسط کمیسیون حقوق بشر کشورهای امریکایی و شورای حقوق بشر اتحادیه اروپا بیان شده است. سرفصل‌های این جزوه به صورت موضوعی تنظیم شده است و نه بر اساس بررسی حقوق ویژه افراد. چرا که ارتکاب هر جرم و یا قصور در اعاده هر حقی، می‌تواند خود ناقض حقوق متعددی باشد. این جزوه همچنین در تمامی موارد موجود، جامع نخواهد بود. از آنجا که این جزوه دیدگاه نهادهای نظارت بر حسن اجرای معاهدات حقوق بشر و راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر را در نظر گرفته است، در نتیجه تنها، دیدگاهی محدود نسبت به خشونت‌ها علیه افراد، رنج آنان و حقوق مشخص آنان در این زمینه دارد. پنج موضوع ارائه شده در اینجا، مواردی هستند که بارها در آثار کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل مورد استناد قرار گرفته‌اند. هر چند موضوعات بسیار مهمی دیگری هم هستند که هنوز توسط کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل بررسی و ارزیابی نشده‌اند. در هر صورت، اصل عدم تبعیض و برابری حقوق افراد، اصلی است اجتناب‌ناپذیر که دولت‌ها الزامی فوری برای اجرای آن دارند. به بیانی ساده‌تر، انسان‌ها نباید به علت گرایش یا هویت جنسی خود، مورد تبعیض و نابرابری قرار گیرند و می‌بایست از تمامی حقوق خود در زندگی بهره‌مند شوند. همان‌طور که کمیسر عالی حقوق بشر گفته است، «اصل جهان‌شمول بودن حقوق بشر هیچ استثنایی را بر خود نمی‌پذیرد. حقوق بشر، به معنای واقعی کلمه حقوق اولیه هر انسانی از بدو تولد او است.»^۲



دبیر کل سازمان ملل متحد، بان کی مون در جلسه بررسی برابری حقوق دگرباشان جنسی در مرکز سازمان ملل متحد در شهر نیویورک در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰ حضور یافته است.

۳ نای پیلای در سخنرانی خود در سمت کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، شصت و سومین جلسه عمومی سازمان ملل متحد، شهر نیویورک در امریکا، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸ میلادی.



خلاصه توصیه‌ها

- پنج گام اصلی -

۱- **محافظت** از مردم در برابر خشونت همجنس‌گراهراس و تراجنسیتی‌هراس. لحاظ شدن گرایش و هویت جنسی به عنوان خصوصیات و ویژگی‌های محافظت شده در مقابل قوانین مربوط به جرائم برخاسته از تنفر. به‌کارگیری سیستم‌های کارآمد برای ثبت و گزارش فعالیت‌ها و اعمال خشونت‌بار با انگیزه تنفر علیه افراد. اطمینان از تحقیق و بازجویی کارآمد از عاملان و تعقیب قانونی این افراد و جبران خسارت برای قربانیان این نوع خشونت‌ها. همچنین اینکه قوانین و سیاست‌های پناهندگی، بایستی این نکته را در نظر بگیرند که آزار به علت گرایش یا هویت جنسی یک فرد می‌تواند یک عامل اساسی و قانونی برای درخواست پناهندگی او باشد.

۲- **منع شکنجه و خشونت**، اعمال غیرانسانی و برخوردهای مخرب علیه دگرباشان جنسی که تحت بازداشت هستند، با قدغن کردن این چنین اعمال و تنبیه کردن عاملان و اطمینان از اینکه خسارت قربانیان این اعمال، جبران می‌شوند. تمامی بدرفتاری‌های صورت گرفته توسط مأمورین دولتی بررسی شوند و افراد گناهکار به دادگاه خوانده شوند. آموزش‌های لازم به مأموران اجرای قانون داده شود و اطمینان حاصل گردد که نظارت کافی و موثر بر زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها صورت می‌گیرد.

۳- **لغو قوانینی** که همجنس‌گرایی را جرم معرفی می‌کند، شامل بر تمامی قوانینی که رابطه جنسی رضایت‌مندانه بین دو شخص بالغ همجنس را ممنوع اعلام می‌کند. اطمینان از اینکه افراد به خاطر گرایش یا هویت جنسی خود بازداشت یا دستگیر نشوند و در معرض آزمایش‌های فیزیکی بی‌اساس و اهانت‌آمیز به قصد تعیین گرایش جنسی‌شان قرار نمی‌گیرند.

۴- **ممنوعیت تبعیض** بر اساس گرایش و هویت جنسی. وضع قوانین جامعی که تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی را غیر قانونی بداند. به‌طور مشخص، اطمینان از دسترسی به خدمات اساسی شهروندی این افراد شامل بر حق استخدام و خدمات درمانی بدون وجود تبعیض. فراهم کردن سطح آموزش و پرورش لازم برای جلوگیری از تبعیض و بدنام‌سازی اقلیت‌های جنسی در جامعه.

۵- **ممنوعیت تبعیض** بر اساس گرایش و هویت جنسی. وضع قوانین جامعی که تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی را غیر قانونی بداند. به‌طور مشخص، اطمینان از دسترسی به خدمات اساسی شهروندی این افراد شامل بر حق استخدام و خدمات درمانی بدون وجود تبعیض. فراهم کردن سطح آموزش و پرورش لازم برای جلوگیری از تبعیض و بدنام‌سازی اقلیت‌های جنسی در جامعه.

پنج التزام اساسی دولت‌ها در ارتباط با حفاظت از حقوق بشر دگرباشان جنسی

۱ - حفاظت از افراد در برابر خشونت‌های ناشی از همجنس‌گراهراسی و تراجنسیتی‌هراسی

خشونت ناشی از نفرت علیه دگرباشان جنسی معمولاً توسط بازیگران غیر دولتی - خواه افراد متعلق به سازمان‌های خصوصی، گروه‌های سازمان یافته و یا توسط سازمان‌های افراطی - اجرا می‌شود. با این همه، کوتاهی مقامات دولتی برای بررسی و مجازات این نوع از خشونت‌ها، معادل قصور دولت در تعهد در مقابل حفاظت از حق تمامی افراد برای زندگی، آزادی و امنیت شخصی است که توسط بند ۳ از اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر و بند ۶ و ۹ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وضع شده است.

اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر

ماده ۳: هر کسی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۶: حق زندگی از حقوق ذاتی انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (یعنی بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.
ماده ۹: هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد.

معاهده بین‌المللی در رابطه با وضعیت پناهنده‌ها

بند ۳۳ ماده ۱: هیچ یک از دول متعهد به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی خاص یا دارای عقاید سیاسی متمایز، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود، تبعید نخواهد کرد یا باز نخواهد گرداند.

مواضع اتخاذ شده از سوی سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر

دگرباشان جنسی امروزه در معرض خطر خشونت از پیش برنامه‌ریزی شده از طرف افراد غیر دولتی هستند. خشونت دگرباش‌هراس در تمامی مناطق جهان ثبت و گزارش شده است. این خشونت ممکن است فیزیکی (شامل بر قتل، کتک زدن، آدم‌ربایی، تجاوز و حمله جنسی) یا روانی (شامل بر تهدیدها،

اجبار و محرومیت مستبدانه از آزادی)^۴ باشد. حمله به افراد بخاطر گرایش یا هویت جنسی آن‌ها، عموماً به قصد تنبیه کسانی که هنجارهای جنسی رایج را زیر پا می‌گذارند صورت می‌گیرد. چنین حملاتی را می‌توان توسل به خشونت بخاطر جنسیت افراد نامید.

قتل‌های از پیش برنامه‌ریزی شده

دولت وظیفه دارد حامی زندگی افراد باشد. یعنی دولت باید در محافظت از زندگی افراد، مجازات عاملان و جبران خسارت ناشی از محرومیت حق زندگی صورت گرفته توسط گروه‌های غیردولتی تلاش کند، شامل بر زمان‌هایی که قربانی به علت گرایش و هویت جنسی خود مورد حمله قرار گرفته است. دولت‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی وظیفه دارند تا از اعدام‌های فراقانونی جلوگیری کنند و اگر این نوع قتل‌ها اتفاق بیافتند، بررسی و تحقیق کافی در این مورد انجام دهند و افراد مسئول را به دادگاه‌ها معرفی کنند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در مجموعه‌ای از قطعنامه‌های خود از دولت‌ها خواسته است «از حمایت از حقوق تمامی افراد تحت قلمرو قدرت خود اطمینان حاصل کنند» و بی‌درنگ تمامی پرونده‌های قتل را به‌شکلی کامل بررسی کنند، شامل بر قتل‌هایی که انگیزه‌شان گرایش جنسی قربانی بوده است.^۵ هرگونه کوتاهی دولت‌ها در سعی و کوشش لازم در این زمینه، به منزله تخطی در اجرای وظایف دولت طبق قوانین بین‌المللی خواهد بود.^۶

قتل از پیش برنامه‌ریزی شده افراد به‌خاطر گرایش یا هویت جنسی آنان، به شکلی گسترده در گزارش نهاد حقوق بشر و سازوکارهای ویژه سازمان ملل متحد ثبت و گزارش شده است.^۷ برای مثال در پرونده کشور السالوادور، کمیته حقوق بشر در گزارش خود ذکر می‌کند:

۴ ماده ۲ اعلامیه منع خشونت علیه زنان اشاره می‌کند که خشونت علیه زنان شامل خشونت درون خانواده، در درون جامعه و خشونت جسمی، جنسی یا روانی مرتکب شده و چشم‌پوشی شده توسط دولت، هر جا که در آن رخ دهد خواهد بود.

۵ کمیته حقوق بشر، نظرات عمومی شماره ۶ (حق حیات) و شماره ۳۱ (در ماهیت تعهد قانونی معین شده از طرف شورا بر دولت‌ها) در پاراگراف ۸.

۶ مجمع عمومی قطعنامه ۵۷/۲۱۴ در ۱۸ دسامبر سال ۲۰۰۲، در پاراگراف ۶؛ قطعنامه ۱۶/۱۷۳، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۶، در پاراگراف ۵ (b) قطعنامه ۲۰۸/۶۵، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۰، در پاراگراف ۶ (b).

۷ اسناد قتل‌های فراقانونی دگرباشان جنسی: جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر بر کشور لهستان (CCPR/CO/82/POL)، در پاراگراف ۱۸؛ و بر کشور السالوادور (CCPR/CO/78/SLV)، در پاراگراف ۱۶؛ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه، در ماموریت خود به مکزیک (E/CN.4/2000/3/Add.3)، در پاراگراف‌های ۹۱ و ۹۲؛ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان در ماموریت او در کشور السالوادور (A/HRC/17/26/Add.2) در پاراگراف ۲۸؛ گزارش گزارش‌گر ویژه در ماموریت او به کشور کلمبیا (A/HRC/13/22/Add.3)، در پاراگراف ۵۰؛ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع

نگرانی در مورد حوادثی که مردم به خاطر گرایش جنسی خود (بند ۹) مورد حمله قرار گرفته‌اند یا حتی کشته شدند وجود دارد که در مورد این پرونده‌ها و فعالیت‌های غیرقانونی، تحقیق‌ها و بازجویی‌های مختصری انجام گرفت ... دولت بایستی در مقابل خشونت و تبعیض براساس گرایش جنسی افراد، حفاظت موثری فراهم کند.^۸

از سال ۱۹۹۹ گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه گفت، این مورد قتل‌ها اغلب علیه افرادی صورت گرفته است که به علت هویت و گرایش جنسی‌شان به مرگ تهدید و یا در عمل کشته هم شدند.^۹ بسیاری از این پرونده‌ها شامل افراد تراجنسی هم می‌شد.^{۱۰} گزارش‌گر ویژه در هنگام ارائه گزارش خود در سال ۲۰۰۶ به شورای حقوق بشر می‌گوید:

یک موضوع که در گذشته باعث جدال گسترده‌ای شده بود، موضوع احکام برای افرادی است که دگرباش جنسی هستند. با این وجود و بر اساس گزارش‌هایی که من دریافت کرده‌ام، تصور اینکه کدام موضوع در رابطه با این احکام بایستی دارای جدال کمتری باشد، بسیار مشکل است.

در اصل، دو دسته از اعضای این گروه‌ها نظرم را جلب کردند. اولین نگرانی در مورد دسته‌ای بود که فقط به علت گرایش جنسی خود کشته شده بودند و معمولاً مأمورهای دولتی و قاتلان آن‌ها مجازات نشده باقی مانده بودند. هیچ‌گونه تعقیب قانونی، هرگز انجام نشد. بعد از تمامی این‌ها، از دید بقیه آن‌ها فقط همجنس‌گرا بودند. در تناقض با دسته نخست، دسته دوم شامل تعقیبی انتقام‌جویانه همراه با احکام مرگ بود، ولی هدف قاتل‌ها نبودند، بلکه این احکام علیه کسانی بود که در حریم شخصی خود روابطی رضایت‌مندانه داشتند. من مرتب گزارش‌هایی در مورد چنین افرادی دریافت می‌کنم که محکوم به سنگسار شده‌اند. اتفاقی‌های پیش‌آمده بر هر دوی این دسته‌ها، نیازمند بحث در مورد مسایل پایه‌ای است که ما طرفداران حقوق

دادگاه‌های فراقانونی، خلاصه این دادگاه‌ها و قتل‌های صورت گرفته، (A/HRC/14/24/Add.2)، در پاراگراف ۷۴؛ جمع‌بندی نهایی کمیته منع تبعیض علیه زنان در کشور افریقای جنوبی، (CEDAW/C/ZAF/CO/4)، در پاراگراف ۳۹.

۸ جمع‌بندی نهایی کمیته حقوق بشر سازمان ملل در مورد کشور السالوادور (CCPR/CO/78/SLV)، در پاراگراف ۱۶

۹ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه: E/CN.4/2001/9 در پاراگراف 76؛ E/CN.4/1999/39 در پاراگراف 76؛ E/CN.4/2000/3 در پاراگراف 54؛ E/CN.4/2001/9 در پاراگراف 48؛ E/CN.4/2002/74 در پاراگراف 62؛ A/57/138 در پاراگراف ۳۸؛ E/CN.4/2003/3 در پاراگراف 66؛ A/59/319 در پاراگراف 60؛ A/HRC/4/20 و A/HRC/4/29/Add.1 در پاراگراف 17؛ A/HRC/17/28/Add.1 و در نهایت در A/HRC/14/24/Add.2؛ A/HRC/11/2/Add.7؛ Add.2

۱۰ قتل افراد تراجنسی: گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه: E/CN.4/2000/3 در پاراگراف ۵۴ («تن‌فروشان تراجنسی» در برزیل)؛ E/CN.4/2001/9 در پاراگراف ۴۹ (دوگانه‌پوش‌ها در السالوادور هدف تیراندازی و قتل قرار گرفتند)؛ E/CN.4/2003/3/Add.2 در پاراگراف ۶۸ (گزارش شده تن‌فروشان تراجنسی در کلیسای جامع سن پدرو سولا به قتل رسیده‌اند)؛ E/CN.4/2003/3 در پاراگراف ۶۶ (قتل سه فرد تراجنسی در جمهوری ونزوئلا بدون تحقیق‌های دولتی).

بشر در دفاع از آن ایستاده‌ایم. این رفتارها می‌بایست بانی نگرانی عمیقی برای ما باشد بجای اینکه در موردشان به جدال برخیزیم.^{۱۱}

گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه در گزارش سال ۲۰۰۷ خود در مورد ماموریتش در کشور گواتمالا گفت:

صرف‌نظر از اینکه ماموران دولتی تا چه اندازه در این پرونده‌ها درگیر بوده‌اند، شواهد نشان می‌دهد که دولت تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر در موضوع کشتار گسترده ... دگرباشان جنسی مسئول است ... برای قاتلانی که انگیزه قتل آن‌ها نفرت از افرادی است که با هویت لزبین، گی، دوجنس‌گرا و تراجنسی، شناسایی شده‌اند، بخشودگی از مجازات صادر شده بود. اطلاعات موثق نشان می‌دهند حداقل ۳۵ قتل از این نوع بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۶ رخ داده بود. به علت کمبود آمار و اطلاعات رسمی و احتمال سکوت اعضای خانواده قربانی و نه بی‌توجهی آنان، امکان این وجود دارد که ارقام حقیقی قتل‌ها، بسیار بیشتر از این باشد.^{۱۲}

گزارش‌گر ویژه این موضوع را تشویق کرد که:

دولت‌ها تلاشی جدید برای حفاظت از امنیت و حق زندگی افراد متعلق به اقلیت‌های جنسی داشته باشند. اجرای قتل و تهدید به مرگ مردم، بایستی بی‌درنگ و به طور کامل، صرف‌نظر از تمایل و گرایش جنسی قربانی، بررسی شود. فعالیت‌های دولتی بایستی شامل قوانین و برنامه‌هایی برای غلبه بر نفرت و تعصب علیه همجنس‌گرایان باشد و مقامات دولتی و عموم جامعه را به جرم‌ها و فعالیت‌های خشونت‌آمیز علیه اعضای اقلیت‌های جنسی، حساس نگه دارد. گزارش‌گر ویژه باور دارد که جرم‌زدایی از موضوعات مربوط به گرایش جنسی می‌تواند منجر به تغییری چشمگیر در ذهنیت منفی جامعه نسبت به اعضای اقلیت‌های جنسی شود و بنابراین، بخشودگی بر خشونت‌ها علیه حقوق بشر این افراد را محدود سازد.^{۱۳}

همچنین دگرباشان جنسی می‌توانند بین قربانیان قتل‌های «ناموسی» قرار بگیرند یعنی قتل‌های انجام گرفته توسط افراد خانواده یا جامعه، علیه آنانی که شرمساری یا لکه ننگ برای خانواده یا جامعه به بار آورده‌اند، شامل بر اعمال جنسی همجنس‌خواهانه که خواه واقعی یا فرضی بین قربانیان انجام

۱۱ گزارش شفاهی گزارش‌گر ویژه E/CN.4/2006/53 به شورای حقوق بشر در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ میلادی، این متن در این آدرس اینترنتی موجود است:

WWW.UN.ORG/WEBCAST/UNHRC/ARCHIVE.ASP?GO=060919

۱۲ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه در ماموریت او به کشور گواتمالا (A/HRC/4/20/Add.2) در پاراگراف‌های ۱۲ و ۱۳.

۱۳ گزارش گزارش‌گر در موضوع ویژه اعدام‌های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه (E/CN.4/2000/3) در پاراگراف ۱۱۶.

گرفته باشد. در حالی که زنان به طور معمول هدف اصلی این نوع خشونت‌های تنبیهی هستند، این نوع حملات می‌تواند به هر شخص یا هر جنسیتی وارد شود.^{۱۴}



تعرض غیرمرگبار

دگرباشان جنسی علاوه بر اینکه هدف قتل قرار می‌گیرند، اغلب قربانی شکل‌های دیگری از خشونت صورت گرفته توسط بخش‌های غیردولتی جامعه نیز هستند.^{۱۵} لژیون‌ها گزارش‌هایی در مورد حمله، تجاوز به عنف، تحت عمل لقاح گرفتن و مجازات‌های دیگر به خاطر گرایش جنسی، از خود در بسیاری از مناطق جهان داده‌اند.^{۱۶} کمیته رفع تبعیض علیه زنان نگرانی عمیق خود نسبت به جرایم

^{۱۴} گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان ببینید (A/61/122/Add.1) در پاراگراف ۱۲۴. گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان: E/CN.4/2002/83 در پاراگراف ۲۷ و ۲۸؛ A/HRC/4/34/Add.2 در پاراگراف ۱۹ و A/HRC/4/34/Add.3 در پاراگراف ۳۴.

^{۱۵} گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان در ماموریت او به کشور قرقیزستان، A/HRC/14/22/Add.2 در پاراگراف‌های ۳۷ و ۳۸ (توصیف شدت خشونت علیه افراد لژیون، دوجنس‌گرا و تراجنسی، شامل بر تجاوز و خشونت‌های خانوادگی).

^{۱۶} متن A/HRC/17/26 پاراگراف ۴۰. همچنین مراجعه کنید به A/HRC/14/22/Add.2 پاراگراف ۲۳، A/HRC/17/26/Add.1 پاراگراف‌های ۲۰۴ و ۲۱۳، E/CN.4/2002/83 پاراگراف ۱۰۲؛ A/HRC/4/34/Add.3 در پاراگراف ۳۴ و در جمع‌بندی نهایی کمیته

جنسی گزارش شده علیه زنان بر اساس گرایش جنسی آنان را اعلام کرده است.^{۱۷} گزارش گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان، از گزارش‌ها در مورد تجاوز گروهی، خشونت‌های خانوادگی و تجربه‌های قتل صحبت می‌کند که توسط زنان لژیون، دوجنس‌گرا و تراجنسی در السالوادور، قرقیزستان و آفریقای جنوبی^{۱۸} تجربه شده است. گزارش گر ویژه در این موارد متوجه این موضوع شده است که «زنان لژیون با خطری فزاینده روبرو هستند تا قربانی خشونت دیگران قرار بگیرند، به ویژه اینکه قربانی تجاوز دیگران باشند، چون تعصب و اسطوره‌هایی در جوامع آنان علیه‌شان وجود دارد»، شامل بر اینکه «به

عنوان مثال، اگر زنان لژیون مورد تجاوز یک مرد قرار بگیرند، گرایش جنسی خود را تغییر خواهند داد.» کمیته رفع تبعیض علیه زنان در جمع‌بندی نهایی خود در موضوع کشور آفریقای جنوبی می‌گوید:^{۱۹}

«دولت‌ها می‌بایست حامی

تمامی افراد باشند، بدون

توجه به ... گرایش جنسی

افراد با هویت جنسی

تراجنسی. دولت‌ها باید این

افراد را از شکنجه و خشونت،

از رفتارهای غیرانسانی و

نامناسب و همچنین از تنبیه‌ها

دور نگه دارند.»

کمیته حقوق بشر علیه خشونت

کمیته نگرانی عمیق خود را در مورد گزارش‌های گسترده با موضوع آزارهای جنسی و قتل زنان بر اساس گرایش جنسی آنان بیان می‌کند. کمیته علاوه بر این، نگرانی جدی خود را در مورد اجرای عملی به اصطلاح به نام «تجاوز اصلاح‌کننده» علیه زنان لژیون بیان می‌کند.^{۲۰}

در دادگاه‌های غیر رسمی همچنین قتل‌هایی صورت می‌گیرد، دولت با چشم‌پوشی از فعالیت این دادگاه‌ها تبعیضی را ایجاد می‌کند که در عمل حالتی قانونی به خشونت‌هایی این چنینی می‌هد و عاملان این خشونت‌ها را از مجازات‌های قانونی دور نگه می‌دارد. گزارش گر ویژه در موضوع سلامت اشاره می‌کند، «تنبیه‌های بازدارنده توسط مقامات دولتی می‌تواند شامل بر تعصب‌های فردی آنان نیز باشد و به جامعه اجازه دهد حالتی قانونی برای خشونت‌ها و سیاست‌هایی وحشیانه قائل شوند که بر افرادی مشخص اعمال

۱۷ منع تبعیض علیه زنان در فدراسیون روسیه (C/USR/CO/7) پاراگراف ۴۰ و ۴۱.

۱۸ جمع‌بندی نهایی بر کشور آفریقای جنوبی (CEDAW/C/ZAF/CO/4) در پاراگراف‌های ۳۹ و ۴۰.

۱۹ مراجعه کنید به A/HRC/4/34/Add.2 در پاراگراف‌های ۶۳۲ و ۶۳۳ و همین‌طور مراجعه کنید به A/HRC/17/26/Add.2 در پاراگراف‌های ۲۸ و ۲۹.

۲۰ در A/HRC/4/34/Add.1، پاراگراف‌های ۶۳۲ و ۶۳۳ هم کمیته منع تبعیض علیه زنان و هم گزارش گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان نسبت به تجاوزهای «اصلاح‌کننده» و «درمانی» هشدار داده‌اند، هدف مردان از این‌گونه تجاوزها «درمان» لژیونی زنان است. برای مثال مراجعه کنید به جمع‌بندی‌های نهایی کمیته بر کشور آفریقای جنوبی (CEDAW/C/ZAF/CO/4) در پاراگراف ۳۹؛ و همچنین گزارش گزارش گر ویژه در ماموریت او به کشور قرقیزستان (A/HRC/14/22/Add.2) در پاراگراف ۳۸.

۲۱ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع خشونت علیه زنان در کشور آفریقای جنوبی (CEDAW/C/ZAF/CO/4) در پاراگراف‌های ۳۹ و ۴۰.

می‌شود.^{۲۱} بر این اساس کمیته حقوق بشر در جمع‌بندی نهایی خود بر کشور توگو، جرم‌زدایی از رابطه جنسی با توافق بین دو انسان بالغ همجنس را اکیداً توصیه کرد. همچنین کمیته در گزارش خود خطاب به این دولت اعلام کرد:

لازم است اقداماتی ضروری انجام شود تا به تعصب و بدنام‌سازی اجتماعی همجنس‌گرایان پایان دهد و پیامی واضح بدهد که دولت هیچ شکلی از آزار، تبعیض و خشونت علیه افراد بر پایه گرایش جنسی آنان را تحمل نخواهد کرد.^{۲۲}

دولت‌ها وظیفه دارند تا قوانینی را وضع کنند که به تبعیض صورت گرفته توسط افراد غیردولتی پایان می‌دهد، شامل بر قوانین جنایی که خشونت‌های دگرباش‌هراسانه را هدف خود قرار می‌دهد.^{۲۳} در پرونده کشور جامائیکا، کمیته گزارش‌هایی دریافت کرد حاکی از اینکه ترانه‌هایی موضوع خشونت علیه همجنس‌گرایان را در جامعه ترویج می‌کردند. کمیته خطاب به دولت این منطقه گفت که شما «بایستی تضمین کنید افرادی که خشونت علیه همجنس‌گرایی را دامن می‌زنند، مورد تعقیب، بازجویی و تنبیه‌های قانونی مناسب قرار می‌گیرند.»^{۲۴} در پرونده کشور لهستان، کمیته حقوق بشر اشاره کرد که «نگران افزایش فزاینده تظاهرات بر مبنای سخنان نفرت‌بار و همین‌طور عدم تحمل افراد جامعه دگرباش جنسی در کشور شما هستیم.»

دولت بایستی اطمینان حاصل کند که تمامی اتهامات، حملات و تهدیدها علیه افراد به صرف تمایل یا گرایش جنسی آنان، به شکلی کامل بررسی می‌شود. همچنین بایستی قوانین مجازات در هر کشور تعریفی مشخص برای سخنان نفرت‌بار و جرایم با انگیزه نفرت داشته باشد که بر پایه گرایش جنسی افراد در جامعه علیه آنان صورت می‌گیرد و این سخنان و جرایم باید

۲۱ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان (A/HRC/14/20) در پاراگراف ۲۰.

۲۲ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در کشور توگو (CCPR/C/TGO/CO/4) در پاراگراف ۱۴.

۲۳ **منع قوانین نفرت‌بار:** جمع‌بندی نهایی کمیته حقوق بشر بر کشور ایالات متحده امریکا (CCPR/C/USA/CO/3) در پاراگراف ۲۵؛ بر کشور ازبکستان (CCPR/C/UZB/CO/3) در پاراگراف ۲۲؛ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع شکنجه در لهستان (CAT/C/POL/CO/4) در پاراگراف ۱۹؛ بر کشور مغولستان (CAT/C/MNG/CO/1) در پاراگراف ۲۵؛ بر جمهوری مولداوی (CAT/C/MDA/CO/2) در پاراگراف ۲۷؛ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان در ماموریت او به کشور قرقیزستان (A/HRC/14/22/Add.2) در پاراگراف ۹۲؛ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان در ماموریت او به کشور السالوادور (A/HRC/17/26) در پاراگراف ۲۸ و ۲۹ و ۷۷؛ گزارش گزارش‌گر ویژه در امور حقوق بشر مهاجران در ماموریت او به کشور افریقای جنوبی (A/HRC/17/33/Add.4) در پاراگراف ۷۷ (a) (هر عمل خشونت‌بار علیه افراد یا دارایی‌های آنان بر پایه نژاد، ملیت، مذهب، قومیت، گرایش جنسی یا هویت جنسی آنان "یعنی جرایم با انگیزه نفرت" با شرایط آزردهنده کنونی را متوقف کنید).

۲۴ جمع‌بندی نهایی کمیته بر کشور جامائیکا (CCPR/C/JAM/CO/3) در پاراگراف ۸.

مجازات مناسبی برای خود داشته باشند؛ همچنین باید فعالیت‌هایی به‌منظور بالا بردن سطح

آگاهی نیروهای پلیس و همچنین مردم در سطح جامعه انجام بگیرد.^{۲۵}

کمیته حقوق بشر همچنین بیانیه‌هایی مشابه در مورد پرونده کشور مغولستان صادر کرد و گفت دولت این منطقه بایستی «اطمینان حاصل کند تا دگرباشان جنسی به عدالت دسترسی داشته باشند و تمامی حملات و تهدیدها علیه این افراد بر پایه گرایش و هویت جنسی آنان، می‌بایست به‌شکلی کامل بررسی شود.»^{۲۶}

درخواست‌های پناهندگی

دولت‌ها همچنین وظیفه دارند تا پناهگاهی امن برای افرادی فراهم کنند که به خاطر گرایش جنسی خود از کشور محل تولدشان می‌گریزند. بند ۳۳ از میثاق بین‌المللی مربوط به وضعیت پناهنده‌ها می‌گوید که دولت‌ها وظیفه دارند از اخراج یا بازگرداندن اجباری پناهنده‌ها به محلی که زندگی یا آزادی آن‌ها به علت نژاد، مذهب، ملیت و یا عضویت در گروه اجتماعی خاص یا نظرات سیاسی مشخصی تهدید خواهد شد، جلوگیری کنند. کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) به دولت‌ها توصیه می‌کند اشخاصی را که به علت گرایش و هویت جنسی خود ترس از تعقیب و تنبیه دارند شامل بر «عضویت در یک گروه اجتماعی خاص» در نظر بگیرند. دولت‌ها بایستی بر اساس میثاق بین‌المللی اطمینان حاصل کنند که این افراد به کشوری که در آن زندگی یا آزادی‌شان تحت خطر خواهد بود، بازگردانده نمی‌شوند. همچنین می‌بایست برای این افراد شرایط گرفتن پناهندگی ایجاد شود و آن‌ها را پناهنده در نظر بگیرند و برابر با مقررات میثاق بین‌المللی با این افراد برخورد کنند.^{۲۷}

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد تخمین می‌زند که در حداقل ۴۲ کشور جهان به افرادی که دارای ترس مستدل از تعقیب به خاطر گرایش یا هویت جنسی خود هستند، پناهندگی اعطا می‌شود، هرچند آمار واقعی در این زمینه هنوز وجود ندارد. بعضی دولت‌ها حتی بدون قانون مشخص در این زمینه، به این افراد پناهندگی می‌دهند، در حالی که بعضی از دیگر دولت‌ها، دلایل برای اعطای وضعیت مهاجرت یا پناهندگی را به طور رسمی ثبت و اعلام نمی‌کنند، حتی در کشورهایی که این دلایل را برای پناهندگی قبول می‌کنند نیز فرآیندها و سیاست‌گذاری‌ها در رفتار

۲۵ جمع‌بندی نهایی کمیته حقوق بشر بر کشور لهستان (CCPR/C/POL/CO/6) در پاراگراف ۸

۲۶ جمع‌بندی نهایی کمیته حقوق بشر بر کشور مغولستان (CCPR/C/MNG/CO/5) در پاراگراف ۹؛ بر کشور مکزیک (CCPR/C/EX/CO/5) در پاراگراف ۲۱.

۲۷ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، یادداشت راهنما بر درخواست‌های پناهندگی مرتبط به هویت و گرایش جنسی افراد (پانوشت ۱ را مطالعه کنید)، پاراگراف ۳؛ همچنین به گزارش کمیساریا مراجعه کنید در موضوع پرونده وزارت امور خارجه در موضوع مهاجرات و پاتریک قوام اتریخ، در سال ۱۹۸۸.

با این افراد، اغلب پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی است. مطالعه درخواست‌ها نیز گاه سلیقه‌ای و بدون نظم کافی است. ماموران ممکن است اطلاعات اندکی در مورد این پرونده‌ها یا حساسیت وضعیت موجود دگرباشان جنسی داشته باشند.^{۲۸} پناهنده‌ها گاه در امکان نگهداری خود با تبعیض و خشونت روبرو می‌شوند و در کشور جدید نیز می‌توانند در محله‌ای مقیم شوند که خطرات مربوط به جنسیت و مسایل پیرامون آن را برای‌شان دو چندان سازد.

اجبار متقاضیان پناهندگی به اقامت در مکان‌هایی مشخص، آنان را در خطر خشونت، تبعیض و جرم‌هایی جدید قرار می‌دهد. در برخی پرونده‌ها، آن‌ها را با این جمله که «به خانه خود برگردید و محتاط باشید» رد می‌کنند، رفتاری که مورد نقد شدید کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل قرار گرفته است.^{۲۹}

نتیجه‌گیری

به منظور احترام گذاشتن، حفاظت کردن و تحقق بخشیدن به حق زندگی و امنیت افراد به شکل ضمانت شده، دولت‌ها تحت قوانین بین‌المللی بایستی به شکلی موثر دست به تحقیق کافی بزنند، مجرمان را پیدا کنند و افرادی را مجازات کنند که به اعدام در دادگاه‌های غیررسمی مشغول بوده‌اند و جرایم با انگیزه نفرت انجام داده‌اند. همچنین دولت‌ها باید حامی افرادی باشند که بر پایه هویت و گرایش جنسی خود، قربانی این خشونت‌ها بوده‌اند. سیستم‌هایی موثر بایستی برای ثبت و گزارش اعمال خشونت‌آمیز با انگیزه نفرت برقرار شود. قوانین و مقررات پناهندگی، می‌بایست شکنجه، آزار و اذیتی را که به یک فرد به دلیل هویت یا گرایش او وارد می‌شود، به عنوان یک دلیل موجه و کافی برای درخواست پناهدگی‌اش، بشناسند.

^{۲۸} کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، یادداشت راهنما بر درخواست‌های پناهندگی، پاراگراف‌های ۳۷ و ۴۱.

^{۲۹} پانویس قبلی، پاراگراف‌های ۲۵، ۲ و ۴۱. همچنین تصمیم دادگاه عالی بریتانیای کبیر را ببینید، در پرونده جمهوری اسلامی ایران و کامرون علیه وزارت امور مهاجرت (2010)، UKSC 31.

۲ - منع عذاب، شکنجه، رفتار غیر انسانی و خفت‌آور نسبت به دگرباشان جنسی

دولت‌ها تحت قوانین بین‌المللی، وظیفه دارند حامی افراد در برابر شکنجه و اعمال خشونت‌آمیز، غیر انسانی و خفت‌آور باشند. این امر شامل بر التزام دولت‌ها برای منع شکنجه و سایر انواع بدرفتاری‌ها می‌شود و همچنین شامل بر التزام دولت‌ها به منظور جبران خسارت برای قربانی‌های این رفتارها می‌شود. قصور در تحقیق و اجرای عدالت در مورد افرادی که عاملان شکنجه هستند، خود به تنهایی، عدم تبعیت و عدم رعایت قوانین بین‌المللی حقوق بشر است. به علاوه اجرای اجباری آزمایش مقعدی نیز تخلف از ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و خفت‌آور محسوب می‌شود. این حقوق توسط بند ۵ از اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر، بند ۷ از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و بند ۲ از کنوانسیون منع شکنجه، ضمانت شده است.

اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر

بند ۵: هیچ کسی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا توهین‌آمیز باشد.

میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی

بند ۷: هیچ انسانی نباید تحت شکنجه یا رفتار و مجازات‌های خشونت‌آمیز، غیر انسانی یا خفت‌آور قرار بگیرد. به ویژه قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

کنوانسیون منع شکنجه

بند ۱ ماده ۱: در این کنوانسیون، واژه «شکنجه» به هر عملی که عمدتاً موجب درد و رنج روحی و یا جسمی فراوان افراد گردد، اطلاق می‌شود. چنین عملی ممکن است با هدف اعتراف گرفتن، تخلیه اطلاعاتی فرد مورد شکنجه و یا فرد دیگری، یا مجازات آن‌ها به خاطر عملی که مرتکب شده و یا گمان می‌رود مرتکب شده‌اند صورت می‌گیرد. همچنین شکنجه می‌تواند با هر دلیلی و بر مبنای هر استدلالی، از جمله به قصد تهدید و یا اجبار فرد مورد شکنجه و یا شخص ثالث صورت گیرد. مادامی که چنین درد و رنجی توسط و یا با رضایت و یا بدون اعتراض، مامور دولت و یا افراد دیگری که به عنوان مامور دولت عمل می‌کند صورت گرفته، شکنجه محسوب می‌شود. درد و رنجی که به طور ذاتی یا به طور تبعی لازمه مجازات قانونی است، شامل (این کنوانسیون) نمی‌شود.

بند ۲ ماده ۱: هر کشور عضو مکلف است کلیه تدابیر موثر قانون‌گذاری، اداری، قضایی و غیر آن را برای پیش‌گیری از شکنجه در سراسر قلمروی تحت مالکیت خود اتخاذ کند.

مواضع اتخاذ شده از سوی سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر

کمیته منع شکنجه، گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه و سایر نهادها و سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد، شواهد قابل توجهی از سوءاستفاده و بدرفتاری با دگرباشان جنسی، انجام گرفته توسط پلیس، ماموران زندان و سایر مامورین اجرای قانون را جمع‌آوری کرده‌اند.^{۳۰} کمیته منع شکنجه هشدار داده است که «مردان، زنان، پسران و دختران همگی ممکن است هدف امتناع از رعایت پیمان باشند، آن هم بر صرف این اساس که انطباقی واقعی یا فرضی با نقش‌های اجتماعی تعیین شده برای خود ندارند.»^{۳۱} گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان موارد مربوط به افراد متیس^{۳۲} در کشور نپال را جمع‌آوری کرده است که از پلیس کتک خورده‌اند و مقامات رسمی اجرای قانون از آن‌ها تقاضای پول و رابطه جنسی داشته‌اند.^{۳۳} در یک پرونده در کشور السالوادور، یک خانم تراجنسی را در سلولی در کنار اعضای یک باند جنایتکار یافتند، به این خانم در آنجا «بیشتر از ۱۰۰ بار تجاوز شده بود. حتی گاهی این تجاوزها با همدستی زندانبان‌ها صورت گرفته بود.»^{۳۴}

گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه، همچنین در گزارش‌های خود بر رفتارهای نامناسب زندانبان‌ها و زندانبان‌ها با افراد به خاطر گرایش و هویت جنسی آنان تاکید کرده است.^{۳۵} او در گزارش سال ۲۰۰۱ خود نوشت:

۳۰ جمع‌بندی نهایی کمیته حقوق بشر در موضوع پرونده کشور ایالات متحده آمریکا (CCPR/C/USA/CO/3)، در پاراگراف ۲۵؛ جمع‌بندی نهایی کمیته در موضوع شکنجه در کشور ایالات متحده آمریکا (CAT/C/USA/CO/2) در پاراگراف‌های ۳۲ و ۳۷. اکوادور (CAT/C/CR/29/4) در پاراگراف ۵ بخش E؛ کمیته منع شکنجه تفسیر عمومی شماره ۲ در پاراگراف ۲۱؛ همچنین به جمع‌بندی‌های نهایی کمیته مراجعه کنید در موضوع پرونده کشورهای اکوادور (CAT/C/ECU/CO/3) در پاراگراف ۱۷؛ آرژانتین (CAT/C/CR/33/1) در پاراگراف ۶ بخش G؛ مصر (CAT/C/CR/29/4) در پاراگراف ۵ بخش G؛ کمیته منع خشونت، تفسیر عمومی شماره ۲ در پاراگراف ۲۱؛ همچنین به جمع‌بندی‌های نهایی مراجعه کنید کشور اکوادور (CAT/C/ECU/CO/3) در پاراگراف ۱۷؛ آرژانتین (CAT/C/CR/33/1) در پاراگراف ۶ و کشور برزیل (A/56/44) در پاراگراف ۱۱۹.

۳۱ کمیته منع شکنجه، نظر عمومی شماره ۲، در پاراگراف ۲۲.

۳۲ Meti عبارتی است در کشور نپال در توصیف افرادی با جنسیت مرد در هنگام تولد که هویت / حالت‌های جنسیت زنانه در بزرگسالی به خود می‌گیرند.

۳۳ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان: E/CN.4/2006/61/Add.1 در پاراگراف‌های ۱ و ۲ و همچنین A/HRC/4/34/Add.1 در پاراگراف‌های ۴۴۸ و ۴۲۵.

۳۴ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان (A/HRC/17/26/Add.2) در پاراگراف‌های ۲۸ و ۲۹.

۳۵ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت و دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز، تنبیه‌های غیرانسانی و خفت‌آور: E/CN.4/2001/66/Add.2 در پاراگراف ۱۹۹؛ E/CN.4/2005/62/Add.1 در پاراگراف‌های ۱۰۱۹ و ۱۱۶۱؛ E/CN.4/2004/56/Add.1 در پاراگراف‌های ۱۳۲۷؛ E/CN.4/2003/68/Add.1 در پاراگراف‌های ۴۴۶، ۴۶۳ تا ۴۶۵ و ۱۸۶۱؛ E/CN.4/2002/76/Add.1 در پاراگراف‌های ۱۶، ۵۰۷ و ۵۰۸، ۸۲۹ تا ۱۷۰۹؛ ۱۷۱۶؛ E/CN.4/2001/66 در پاراگراف ۱۱۷۱؛ E/CN.4/2000/9 در پاراگراف‌های ۱۴۵، ۱۵۱ و ۷۲۶؛ E/CN.4/1995/34 در پاراگراف ۱۴۶.

به نظر می‌رسد که اعضای اقلیت‌های جنسی بیشتر از آنچه برای بقیه بخش‌های جامعه رخ می‌دهد، هدف شکنجه و انواع دیگر بدرفتاری‌ها قرار می‌گیرند، آن‌ها قادر به تطبیق خود با انتظارات اجتماعی ایجاد شده از جنسیت خود نیستند. در واقع، تبعیض بر اساس گرایش یا هویت جنسی افراد، ممکن است باعث شروع روندی شود که قربانی را پست‌تر از انسان بشمارد، امری که معمولاً شرطی لازم برای شروع شکنجه و بدرفتاری است.^{۳۶}

او تاکید می‌کند که اگر زندانیان تراجنسی را در سالن‌های عمومی زندان قرار بدهند به شکلی متمایز، بیشتر از بقیه زندانی‌ها در معرض سوءاستفاده فیزیکی و جنسی قرار می‌گیرند.^{۳۷} برای مثال، گزارش‌گر ویژه در گزارش خود از زنان تراجنسی صحبت می‌کند که بطور عمد مورد ضرب و شتم سنگین در ناحیه سینه‌ها و استخوان‌های گونه‌شان قرار گرفته‌اند تا بدین ترتیب سموم بدنشان از خارج شود. او همچنین از مواردی صحبت می‌کند که در آن اقلیت‌های جنسی وقتی برای گزارش جرایم به پلیس مراجعه کرده‌اند از سوی آن‌ها مورد اذیت و آزار واقع شده‌اند. همچنین از مواردی صحبت می‌کند که نگهبان‌های زندان از انجام وظایف خود سر باز زده‌اند و خطر خشونت فیزیکی و جنسی علیه دگرباشان جنسی را در زندان بالا برده‌اند.^{۳۸} در یک پرونده مربوط به یک زوج لزبین در کشور برزیل به گفته خود آن‌ها در اداره پلیس مورد ضرب و شتم و سوءرفتار قرار گرفتند و آن‌ها را مجبور به انجام سکس دهانی کردند.^{۳۹} در کشور ازبکستان، یک مدافع حقوق بشر که متهم به همجنس‌گرایی شده بود، مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفت و تهدید به تجاوز شد.^{۴۰}

دولت‌ها وظیفه دارند از «تمامی انسان‌ها، صرف‌نظر از ... گرایش جنسی و یا هویت تراجنسی آنان» مراقبت کنند و از آنان در مقابل شکنجه و رفتارهای خشونت‌آمیز، مجازات‌ها و برخوردهای غیرانسانی و خفت‌آور محافظت کنند.^{۴۱} دولت‌ها تحت قوانین بین‌المللی وظیفه دارند تا با تمام توان خود از شکنجه و رفتار نادرست در تمام زمینه‌های تحت کنترل و حضانت خود جلوگیری کنند، چنین رفتارهایی را منع و راهی برای جبران خسارت قربانیان فراهم کنند.^{۴۲} قصور یا کوتاهی در تحقیق و معرفی عاملان شکنجه

۳۶ گزارش اولیه گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت و دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز، رفتارها یا تنبیه‌های غیرانسانی یا خفت‌آور در (A/56/156) در پاراگراف ۱۹.

۳۷ A/56/156 در پاراگراف ۲۳.

۳۸ A/56/156 در پاراگراف ۱۸؛ E/CN.4/2002/76/Add.1 در پاراگراف‌های ۱۶ و ۱۷۱۱.

۳۹ E/CN.4/2001/66/Add.2 در پاراگراف ۱۹۹.

۴۰ E/CN.4/2004/56/Add.1 در پاراگراف‌های ۱۸۷۸ و ۱۸۹۹.

۴۱ کمیته منع خشونت، تفسیر عمومی شماره ۲ در پاراگراف ۲۱.

۴۲ کمیته منع خشونت، تفسیر عمومی شماره ۲ در پاراگراف ۱۵.

و رفتار نادرست در نظام قضایی، خود به تنهایی نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود.^{۴۳} برای مثال کمیته منع شکنجه در جمع‌بندی نهایی در موضوع پرونده کشور ایالات متحده آمریکا، نگرانی خود از گزارش‌های مربوط به تجاوز فیزیکی و جنسی به افراد بر پایه «گرایش جنسی متفاوت از بقیه» را ابراز داشت. دولت بایستی تضمین دهد که «مجریان قانون به‌شکلی مستقل، کامل و بی‌درنگ مورد تحقیق قرار بگیرند و مجرمان و عاملان این امور به‌طور مناسبی مجازات گردند.»^{۴۴} در مورد پرونده کشور کاستاریکا، کمیته منع شکنجه توصیه کرد برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌دهنده برای مامورهای پلیس، مامورهای مرزی و کارمندان زندان اجرایی شود تا از سوءرفتار بر مردم «بر پایه گرایش یا هویت جنسی افراد، به ویژه افراد ترانجسنی جلوگیری شود»^{۴۵}

یکی از موضوعاتی که توسط کارشناسان بر آن تاکید شده است، موضوع وادار کردن مردان مشکوک به همجنس‌گرایی به آزمایش اجباری مقعد است. در بعضی کشورها، مردان به دلیل همجنس‌گرایی دستگیر می‌شوند و مجبور می‌گردند تا آزمایش‌های پزشکی به منظور کسب شواهد فیزیکی از رابطه جنسی مقعدی را انجام دهند. علاوه بر اینکه این قضیه از لحاظ علمی بی‌ارزش و نادرست است، انجام



۴۳ کمیته منع خشونت، تفسیر عمومی شماره ۳۱ در پاراگراف ۱۸.

۴۴ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع خشونت در کشور ایالات متحده آمریکا (CAT/C/USA/CO/2) در پاراگراف‌های ۳۲ و ۳۷.

۴۵ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع خشونت در کشور کاستاریکا (CAT/C/CRI/CO/2) در پاراگراف‌های ۱۱ و ۱۸.

اینگونه آزمایش‌های پزشکی در حکم نقض حریم جسمانی افراد است. در پرونده‌ای که مردان مجبور به انجام آزمایش‌های مقعدی شده بودند، کارگروه موضوع بازداشت‌های خودسرانه گفت:

این‌گونه آزمایش‌های پزشکی که به اجبار انجام می‌گیرند، در نفسه مزاحمت‌آمیز بوده و ناقض حق افراد بر کنترل بدنشان است؛ حقی که مطابق قوانین حقوق بشر برای همه انسان‌ها تضمین شده است ... متعاقباً کارگروه این موضوع را در نظر گرفته است که ... آزمایش‌های مقعدی اجباری، ممنوعیت شکنجه و ممنوعیت انواع دیگر رفتارهای خشونت‌بار، غیرانسانی و خفت‌آور را نقض می‌کند، مانند پرونده‌های بررسی شده حاضر که چنین رفتاری به هدف تنبیه کردن، اعتراف اجباری یا برای تبعیض بیشتر اعمال شده بود. علاوه بر این، این آزمایش‌ها از لحاظ پزشکی برای تشخیص و اثبات اینکه خواه شخص رفتار جنسی همجنس‌خواهانه داشته یا درگیر خوش‌گذرانی و عیاشی بر حسب عادت بوده و یا درگیر تن‌فروشی بوده است، بی‌ارزش هستند.^{۴۶}

کمیته منع شکنجه و گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه، همچنین استفاده از آزمایش‌های مقعدی اجباری برای «اثبات» همجنس‌گرایی مورد انتقاد قرار داده‌اند.^{۴۷} گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه، این موضوع را چنین توصیف کرده است که «این چنین معاینات تهاجمی پزشکی قانونی»، مواردی هستند «از نظر جسمی آسیب‌زننده و از نظر روحی خفت‌آور» بر فرد و همچنین قابلیت قرار گرفتن در «موضوع شکنجه یا بدرفتارها» را دارند و او به انجام این رفتارها در میان برخی کشورها معترض شد.^{۴۸}

دومین نگرانی مربوط به خشونت جنسی است. سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر، بارها توجه‌ها را به سوءاستفاده جنسی بر دگرباشان جنسی جلب کرده است که اغلب توسط پلیس یا در مکان نگهداری اجباری آنان در دوران حبس انجام گرفته است.^{۴۹} خشونت جنسی وقتی که با رضایت و توافق ماموران دولتی انجام شده و یا به تحریک آنان یا در حضور آنان صورت گرفته باشد، می‌تواند شکنجه محسوب شود.^{۵۰} یکی از اهداف ممنوع برابر تعریف شکنجه «تبعیض از هر نوع آن است». سوءاستفاده جنسی از دگرباشان جنسی، اغلب با تحریک‌های برآمده از تبعیض صورت می‌گیرد. گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان می‌گوید: «درحالی که خشونت جنسی اغلب به صورت پدیده‌ای جداگانه

۴۶ نظر کارگروه بر حبس‌های غیررسمی، شماره ۲۵ در سال ۲۰۰۹ بر پرونده کشور مصر (A/HRC/16/47/Add.1) در پاراگراف‌های ۲۸، ۲۹ و ۳۰.

۴۷ جمع‌بندی نهایی کمیته منع خشونت بر پرونده کشور مصر (CAT/C/CR/29/4) در پاراگراف‌های ۵ و ۶.

۴۸ گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه: A/56/156 در پاراگراف ۲۴؛ A/HRC/4/33/Add.1 در پاراگراف ۳۱۷؛

۴۹ سوءاستفاده جنسی از افراد دگرباشان جنسی: CAT/C/USA/CO/2 در پاراگراف ۳۲؛ گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت: E/CN.4/2003/68/Add.2 در پاراگراف ۴۲؛ E/CN.4/2002/76 در ضمیمه سوم؛ A/56/156 در پاراگراف‌های ۱۸ و ۲۳.

۵۰ گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت (A/HRC/7/3) در پاراگراف ۳۴.

در نظر گرفته می‌شود» با این وجود در اغلب موارد «با انواع دیگری از تبعیض بر اساس نژاد، قومیت، مذهب، هویت جنسی و وضعیت اجتماعی یا ناتوانی جسمی افراد همراه شده است».^{۵۱} او تأکید کرد که «تبعیض گسترده و خشونت وارده به بعضی از گروه‌های زنان، به‌خاطر گرایش و هویت جنسی آن‌ها است». او در گزارش خود موضوع را بیشتر توضیح می‌دهد:

بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، به‌ویژه اعلامیه رفع خشونت علیه زنان و کنوانسیون منع شکنجه و انواع دیگر رفتارها و تنبیه‌های خشونت‌آمیز، غیرانسانی و خفت‌آور، دولت‌ها وظیفه دارند تا اعمال شکنجه و خشونت علیه زنان را جرم و خلاف قانون بشناسند. همچنین عاملان این رفتارها را تحت پیگرد قانونی قرار دهند و راه را برای جبران خسارت قربانیان باز بگذارند. متعاقباً دولت‌ها بایستی حداکثر تلاش خود را برای جلوگیری از اجرای رفتارهای خشونت‌بار جنسی انجام بدهند، هرگونه رفتار خشونت‌آمیز جنسی را بررسی کنند و خسارت قربانیان را از طریق حقوقی و قانونی ادا کنند.^{۵۲}

نتیجه‌گیری

تمامی افراد در مقابل شکنجه و رفتارهای خشونت‌آمیز، غیرانسانی و خفت‌آور محافظت می‌شوند. آزمایش اجباری مقعدی و خشونت جنسی صورت گرفته توسط عوامل دولتی می‌تواند شکنجه یا خشونت، تنبیه یا رفتار غیرانسانی و خفت‌آور محسوب شود. بر اساس قوانین بین‌المللی، دولت‌ها بایستی اعمال شکنجه و رفتار نامناسب را قذف و اجرای آن را با مجازات روبرو کنند و بایستی برای قربانیان این نوع از رفتارها، جبران خسارت کنند.^{۵۳} این بدان معناست که دولت‌ها باید خشونت و رفتار نامناسب را به عنوان شکنجه در قوانین جزایی داخلی کشور خود تعریف کنند. همچنین بایستی اطمینان حاصل کنند که تمامی رفتارهای خشونت‌بار صورت گرفته توسط ماموران اجرای قانون و سایر مامورین دولتی به صورت مستقل، سریع و جامع بررسی و تحقیق می‌شوند و کسانی که مسئول هستند، به دادگاه تحویل داده شوند. دولت‌ها بایستی فرآیندی را مشخص کنند که از طریق آن قربانیان این چنین رفتارهایی بتوانند شاهد جبران خسارات، از جمله پرداخت غرامت باشند. دولت‌ها موظف‌اند که برنامه‌های مناسبی برای آموزش موثر به مجریان قانون و همچنین نظارت کافی بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها اجرا کنند.

۵۱ خشونت جنسی و تبعیض‌های چندگانه: گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان (A/HRC/14/22) در پاراگراف ۱۷. Add.1

۵۲ وظایف دولتی در قبال سوءاستفاده جنسی: A/HRC/14/22/Add.1 در پاراگراف ۱۹.

۵۳ کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۲۰؛ کمیته منع شکنجه، تفسیر عمومی شماره ۲.

۳ - جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی

قوانینی که همجنس‌گرایی را به عنوان جرم معرفی می‌کنند، باعث افزایش احتمال نقض قوانینی دیگر می‌شود؛ قوانینی که مجزا و در ارتباط با هم هستند. این چنین قوانین حق افراد برای رهایی از تبعیض را نقض می‌کنند که در بند ۲ معاهده بین‌المللی حقوق بشر ذکر شده است و پایه اصلی معاهدات بین‌المللی حقوق بشر است. این قوانین همچنین حق افراد برای داشتن حریم خصوصی را نقض می‌کند و آنان را در معرض بازداشت‌های خودسرانه قرار می‌دهد، مواردی که در بندهای ۱۲ و ۹ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی ذکر شده‌اند. علاوه بر این، قوانینی که اعدام را برای انجام عمل جنسی تعیین می‌کنند، حق زندگی را همان‌طور که توسط بند ۳ از اعلامیه بین‌المللی و بند ۶ از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی تضمین شده است، نقض می‌کنند. این قوانین حتی اگر هرگز اجرا هم نشوند، باعث نقض وظایف دولتی تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر می‌شود.



اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر

بند ۲: همه انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تمایز و تفاوت از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند می‌شوند.

بند ۷: تمامی انسان‌ها در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض از حمایت قوانین برخوردار شوند. همه انسان‌ها حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

بند ۹: هیچ کس نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود.

بند ۱۲: هیچ کس در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کسی حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی

بند ۲ ماده ۱: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت‌شان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل، منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌های محترم شمرده و حقوق تمامی افراد را تضمین کنند.

بند ۶ ماده ۲: در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت که آن‌هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌ها (بند ۶) راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح.

بند ۹ ماده ۱: هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کسی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهت و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون.

بند ۱۷ ماده ۱: هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.

بند ۲۶: کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت برابر قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت موثر و مساوی علیه هر نوع تبعیض به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب، یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.

مواضع اتخاذ شده از سوی سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر

حداقل ۷۶ کشور جهان قوانینی تحت اجرا دارند که رابطه جنسی رضایت‌مندانه بین بزرگسالان همجنس را جرم معرفی می‌کنند.^{۵۴} این قوانین اساساً یا یک نوع مشخص از فعالیت جنسی یا هر گونه صمیمیت و رابطه جنسی بین افراد همجنس را ممنوع اعلام می‌کنند.

در بعضی پرونده‌های قضایی زبانی که استفاده می‌شود به مفاهیم مبهم و تعریف‌نشده‌ای ارجاع می‌دهد، مانند «جرم علیه قوانین طبیعت یا اخلاقیات یا فساد اخلاقی».^{۵۵} استفاده از این قوانین به طور مشترک، اشخاص را به خاطر گرایش یا هویت جنسی‌شان، حتی اگر این گرایش و هویت جنسی، حدس و گمان دیگران باشد نه واقعیت، تحت آزار و تعقیب قرار می‌دهد.^{۵۶}

جرم شناختن رابطه جنسی رضایت‌مندانه که در خلوت خصوصی و بین بزرگسالان همجنس انجام گرفته، ناقض تعهدات دولت تحت قوانین بین‌المللی است که شامل التزام برای حفاظت از حریم خصوصی افراد و تضمین عدم تبعیض است. از زمانی که کمیته حقوق بشر حکم خود را در پرونده تونن علیه دولت استرالیا (*Toonen v Australia*) اعلام کرد این قضیه موضع همیشگی کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل از سال ۱۹۹۴ تا کنون بوده است.

تونن قوانین موجود در ایالت تاسمانی استرالیا که انجام رابطه جنسی رضایت‌مندانه بین افراد همجنس را جرم می‌شناخت، زیر سوال برده و این قوانین را به دادگاه بین‌المللی می‌برد. کمیته در حکم خود در این پرونده «اعلام کرد که رابطه جنسی رضایت‌مندانه افراد بالغ در حریم خصوصی آنان یعنی در مفهوم حریم شخصی قرار می‌گیرد» و این حریم بر اساس بند ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی تعریف شده و یک امر مسلم است. این قضیه مهم نبود که آقای تونن، کسی که این اعتراض را به دادگاه آورد، هرگز تحت پیگرد قانونی قرار نگرفته بود، بلکه صرف وجود قانون جرم «بطور مکرر و مستقیم باعث دخالت در زندگی شخصی و حریم خصوصی این شخص می‌شد».^{۵۷} طبق بند ۱۷ از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، افراد در مقابل «دخالت غیرقانونی یا خودسرانه» در

۵۴ «همجنس‌گراهراسی دولتی: تحقیقی بین‌المللی از قوانین مربوط به جرم‌انگاری روابط جنسی رضایت‌مندانه بین دو همجنس بالغ» انجمن همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان، تراجنسی‌ها و دوجنسه‌ها (ILGA)، بروکسل، بلژیک، ماه مه ۲۰۱۱، ص ۹۰.

۵۵ نگاه کنید به: A/HRC/10/21/Add.3 پاراگراف ۵۶-۵۸.

۵۶ این قوانین ممکن است همچنین در تلاش برای «پاکسازی اجتماعی» استفاده شوند. برای مثال نگاه کنید به: E/CN.4/1995/111 پاراگراف ۴۹ و E/CN.4/2005/7 پاراگراف ۲۱.

۵۷ پرونده تونن علیه استرالیا، ارتباطات کمیته حقوق بشر، شماره ۱۹۹۲/۴۸۸ و ۴، C/50/D/488/1992 CCPR/C/50/D/488/1992 آوریل ۱۹۹۴، پاراگراف ۸، ۲.

حریم خصوصی‌شان محافظت می‌شوند. «دخالیت خودسرانه» می‌تواند در پوشش قانونی ارائه شود که «تحت شرایط مقرر، اهداف و برنامه‌های میثاق بین‌المللی» نباشد و «تحت شرایط خاص و معقول آن» تنظیم نشده باشد.^{۵۸} در پرونده تونن در مقابل استرالیا، کمیته «شرط معقول بودن نقض حریم خصوصی را بدین گونه تفسیر نمود که به موجب آن میزان دخالت در حریم خصوصی افراد باید نخست متناسب با هدفی که دنبال می‌شود بوده و دوم با توجه به شرایط پرونده مورد نظر، چاره‌ای جز نقض حریم خصوصی افراد نبوده باشد. کمیته نتیجه می‌گیرد که قوانین ضد همجنس‌گرایی در تاسمانی نه نسبی و نه ضروری بوده است».^{۵۹} این قوانین نه به منظور حفظ سلامت عمومی وضع شده بودند و نه برای حفظ اخلاقیات عموم ضروری بودند. همانطور که شواهد موجود نشان می‌داد قوانینی که همجنس‌گرایی را جرم می‌شناختند، در بقیه مناطق کشور استرالیا لغو شده بودند و در تاسمانی هم دیگر اجرا نشدند.^{۶۰}

از زمانی که حکم پرونده تونن اعلام شده است، نهادهای نظارت بر حسن اجرای معاهدات حقوق بشر بارها دولت‌ها را به اصلاح قوانینی تشویق کرده‌اند که همجنس‌گرایی یا رابطه جنسی بین افراد از یک جنس را جرم می‌شناسند. همچنین از لغو قانونی و قضایی این چنین قوانین استقبال کرده‌اند.^{۶۱} برای مثال کمیته در مورد کشور شیلی بیان کرد که:

ادامه اجرای قوانینی که رابطه همجنس‌گرایی رضایت‌مندانه بین دو شخص بالغ را جرم می‌شناسد، باعث تقویت رفتار تبعیض‌آمیز بین افراد بر اساس گرایش جنسی شود. چنین رفتاری شامل

۵۸ کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۱۶ (حق احترام به حریم خصوصی، امور مربوط به خانواده، خانه و مکاتبات و حفاظت از شرافت و آبروی افراد)

۵۹ پرونده تونن علیه استرالیا، پاراگراف ۸۳.

۶۰ پانویس قبلی، پاراگراف ۸۵ و ۸۶.

۶۱ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در توگو (CCPR/C/TGO/CO/4) پاراگراف ۱۴، ازبکستان (CCPR/C/UZB/CO/3) پاراگراف ۲۲، گراندنا (CCPR/C/GRC/CO/1) پاراگراف ۲۱، جمهوری متحده تانزانیا (CCPR/C/TZA/CO/4) در پاراگراف ۲۲، بوتسوانا (CCPR/C/BWA/CO/1) پاراگراف ۲۲، سنت وینسنت و گرنادین (CCPR/C/VCT/CO/2)، الجزایر (CCPR/C/DZA/CO/3) پاراگراف ۲۶، شیلی (CCPR/C/CHL/CO/5) پاراگراف ۱۶، باربادوس (CCPR/C/BRB/CO/3) پاراگراف ۱۳، ایالات متحده آمریکا (CCPR/C/USA/CO/3) پاراگراف ۹، کنیا (CCPR/C/CO/83/KEN) پاراگراف ۲۷، مصر (CCPR/CO/76/EGY) پاراگراف ۱۹، رومانی (CCPR/C/79/Add.111) پاراگراف ۱۶، لسوتو (CCPR/C/79/Add.106) پاراگراف ۱۳، اکوادور (CCPR/C/79/Add.92) پاراگراف ۸، قبرس (CCPR/C/79/Add.88) پاراگراف ۱۱، ایالات متحده آمریکا (A/50/40) پاراگراف ۲۸۷. جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قرقیزستان (E/C.12/Add.49) پاراگراف ۱۷ و ۳۰، قبرس (E/C.12/1/Add.28) پاراگراف ۷. جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع تبعیض علیه زنان در اوگاندا (CEDAW/C/UGA/CO/7) پاراگراف ۴۳ و ۴۴، قرقیزستان (A/54/38) پاراگراف ۱۲۸ و ۱۲۸. جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق کودک در شیلی (CRC/C/CHL/CO/3) پاراگراف ۲۹.

نقض حق حفظ حریم شخصی تحت بند ۱۷ از میثاق بین‌المللی است. بنابراین قانون مجازات لواط در بین افراد بالغ بایستی اصلاح شود.^{۶۲}

چند سال بعد کمیته با رضایت خاطر متوجه شد قوانینی که در شیلی رابطه جنسی رضایت‌مندانانه بین افراد بالغ همجنس را جرم می‌شناختند، لغو شده‌اند.^{۶۳}

کمیته به طور مشابه در مورد کشور کامرون گفت:

کمیته نگرانی عمیق خود از جرم شماردن رابطه جنسی رضایت‌مندانانه بین افراد همجنس را اعلام می‌کند. همانطور که کمیته و سایر سازوکارهای بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر ذکر کرده‌اند، این جرایم ناقض حق حریم شخصی و حق‌رهایی از تبعیض است که در میثاق بین‌المللی درج شده است ... دولت بایستی اقدامات سریع و فوری برای جرم‌زدایی از روابط جنسی رضایت‌مندانانه بین افراد بالغ را انجام دهد، تا جایی که قوانینی داخل کشور با میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی مطابقت و هماهنگی داشته باشند.^{۶۴}

جرم شناختن رابطه جنسی رضایت‌مندانانه که در خلوت خصوصی و بین بزرگسالان همجنس انجام گرفته ناقض تعهدات دولت تحت قوانین بین‌المللی است. چنین قوانینی شامل التزام برای حفاظت از حریم خصوصی افراد و تضمین‌رهایی از تبعیض است.

کمیته در مورد ایالات متحده آمریکا نگرانی خود را از «تجاوز جدی به حریم خصوصی افراد» در ایالت‌هایی که مجازات‌هایی که مجازات کیفری برای رابطه جنسی رضایت‌مندانانه بین افراد همجنس دارند اعلام می‌کند. کمیته نتایج اجرای چنین قوانین را نسبت به «برخورداری از تمام انواع حقوق بشر بدون تبعیض» متذکر می‌شود.^{۶۵} بعدها کمیته از حکم دیوان عالی کشور آمریکا که اعلام کرد این چنین قوانین در مورد پرونده لارنس علیه نگزاس بر خلاف قانون اساسی هستند، استقبال کرد.^{۶۶}

همانطور که کمیته در پرونده تونن نتیجه گرفت، حتی اگر قانون بحث‌برانگیز اجرا نشود، باز هم حق داشتن حریم شخصی و حق عدم تبعیض برای شخص را نقض می‌کند. کمیته در جمع‌بندی نهایی خود در مورد کشور اتیوپی ذکر کرد: «صرف گفتن اینکه این تبصره‌های مورد سوال در عمل اجرا نمی‌شود، چیزی از نگرانی‌های کمیته در این زمینه کم نمی‌کند.»^{۶۷}

۶۲ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در شیلی (CCPR/C/79/Add.104) پاراگراف ۲۰

۶۳ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در شیلی (CCPR/C/CHL/CO/5) پاراگراف ۱۶

۶۴ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در کامرون (CCPR/C/CMR/CO/4) پاراگراف ۱۲

۶۵ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا (A/50/40) پاراگراف ۲۸۷

۶۶ پاراگراف ۹ (CCPR/C/USA/CO/3)

۶۷ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در اتیوپی، (CCPR/C/ETH/CO/1) پاراگراف ۱۲

در بعضی کشورها که از رابطه جنسی رضایت‌مندانه افراد بالغ جرم‌زدایی شده است، برای روابط همجنس‌گرایی و دگرجنس‌گرایی، سن رضایت برای داشتن رابطه جنسی افراد (زن و مرد) متفاوت است. در این کشورها افراد جوانی که رابطه جنسی با همجنس خود انجام دهند، ممکن است تحت مجازات‌های کیفری واقع شوند، در حالی که افرادی که با غیرهمجنس در همان سن خود رابطه جنسی داشته باشند، مشمول این مجازات نمی‌شوند. همانطوری که نهادهای معاهده اشاره کرده‌اند، تفاوت سن رضایت جنسی بین همجنس‌گرایان و دگرجنس‌گرایان، عامل تبعیض بر اساس گرایش جنسی آنان است.^{۶۸}

گزارش‌گر ویژه و کارگروه‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل که مجموعاً تحت عنوان راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر شناخته می‌شوند، بطور مکرر از جرم شناختن روابط جنسی همجنس‌خواهانه ابراز نگرانی کرده‌اند. آن‌ها خواستار توجه به رویه‌هایی هستند که با جرم‌شمردن همجنس‌گرایی، به تعصب مشروعیت می‌بخشند و مردم را در معرض جرایم برخاسته از نفرت، سوءاستفاده پلیس، شکنجه و خشونت خانوادگی قرار می‌دهند.^{۶۹} به طور مثال گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه خاطرنشان کرد که «جرم‌انگاری مسایل مربوط به گرایش و هویت جنسی» باعث افزایش بدنام‌سازی اجتماعی می‌شود. همچنین «مردم را در برابر خشونت و سوءاستفاده‌های حقوق بشری بیشتر از قبل آسیب‌پذیر می‌کند. چنین خشونت‌هایی شامل بر تهدید به مرگ و نقض حق زندگی می‌شود که معمولاً در دادگاه صالحی بررسی نمی‌شوند».^{۷۰} وقتی دولت برون‌دی پیش‌نویس قانون جرم شناختن رابطه جنسی بین افراد همجنس را بررسی می‌کرد، ۴ تن از مسئولان راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر در یک نامه مشترک به سنا گوشزد کردند: پیش‌نویس این قانون برخلاف قوانین بین‌المللی حقوق بشر است و تأثیری معکوس و منفی روی تلاش ملی برای مبارزه با ویروس اچ‌آی‌وی خواهد گذاشت. همچنین این قوانین، مدافعان حقوق بشر دگرباشان جنسی را به عنوان اهداف بالقوه برای حمله و ارباب هم توسط ماموران دولتی و هم مردم در شرایط آسیب‌پذیر خواهد کرد.^{۷۱}

۶۸ سن‌های متفاوت در رضایت جنسی: جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق کودک در شیلی، (CRC/C/CHL/CO/3) پاراگراف ۲۹، «جزیره مردان»، بریتانیا (CRC/C/15/Add.134) پاراگراف ۲۲، اتریش (CCPR/C/79/Add.103) پاراگراف ۱۳.

۶۹ برای مثال نگاه کنید به: گزارش نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در مورد مدافعان حقوق بشر (E/CN.4/1999/68) پاراگراف ۱۵۴، گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان (E/CN.4/2002/16/Add.1) پاراگراف ۱۵. همچنین نگاه کنید به گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه: (C/CN.4/2002/76) و (A/56/156) در پاراگراف‌های ۱۸-۲۵.

۷۰ گزارش گزارش‌گر ویژه کمیسیون حقوق بشر در اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه (A/57/138) پاراگراف ۳۷.

۷۱ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع مدافعان حقوق بشر (A/HRC/10/12/Add.1) پاراگراف ۳۵۳.

در ۵ کشور از این ۷۶ کشور جهان و حداقل در بعضی مناطق ۲ کشور دیگر، حکم اعدام برای جرایم مربوط به همجنس‌گرایی صادر و این حکم اجرا هم می‌شود.^{۷۲} علاوه بر این حقیقت که جرم شناختن رابطه جنسی بین دو همجنس، ناقض حق حریم شخصی و حق‌رهایی از تبعیض است، وضع حکم اعدام باعث خشونت‌های دیگری خواهد بود که تحت بند ۶ معاهده بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و بند ۳ معاهده بین‌المللی حقوق بشر تعریف شده است. بند ۶ می‌گوید در کشورهایی که دارای مجازات اعدام هستند، «این حکم فقط برای جرم‌های خیلی جدی اعمال شوند» و جرائم جنسی شامل انجام عمل جنسی بین دو همجنس تحت عنوان «جدی‌ترین جرم‌ها» قرار نمی‌گیرند. قطعنامه‌های پی‌درپی از کمیسیون پیشین حقوق بشر از دولت‌ها خواسته بود که مطمئن شوند «حکم اعدام برای اعمال غیرخشونت‌آمیز، مانند رابطه جنسی رضایت‌مندانه بین افراد بالغ وضع نخواهد شد.»^{۷۳}

فعالیت نهادهای نظارت بر حسن اجرای معاهدات حقوق بشر و راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر به این اصول تاکید می‌کنند.^{۷۴} کمیته در رابطه با کشور سودان بیان می‌کند:

وضع حکم اعدام توسط دولت برای جرم‌هایی که نمی‌توان به عنوان جدی‌ترین جرائم دسته‌بندی کرد، ممنوع است. شامل بر اختلاس توسط ماموران دولت، دزدی همراه با خشونت و قاچاق مواد مخدر به همراه کارهایی که نیایستی از ابتدا به عنوان جرم شناخته شوند، مانند عمل همجنس‌گرایی و رفتار جنسی نامشروع، که با بند ۶ میثاق بین‌المللی ناسازگار هستند.^{۷۵}

گزارش‌گر ویژه توجه‌ها را به اجرای حکم اعدام جلب کرده‌اند و از آن به عنوان نقض قوانین حقوق بشر بین‌المللی یاد می‌کنند. گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه در گزارش مربوط به سال ۲۰۰۰ خود، موضوع را به صورت زیر توصیف کرد:

باعث نگرانی عظیمی است که در برخی از کشورها مجازات همجنس‌گرایی اعدام است. بایستی یادآوری شود که بنا به بند ۶ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجازات

۷۲ این پنج کشور، جمهوری اسلامی ایران، موریتانی، عربستان سعودی، سودان و یمن هستند. نگاه کنید به: «همجنس‌گراهراسی دولتی: تحقیقی بین‌المللی از قوانین مربوط به جرم‌انگاری روابط جنسی رضایت‌مندانه بین دو همجنس بالغ» انجمن همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان، تراجنسی‌ها و دوجنسه‌ها (ILGA)، بروکسل، بلژیک ماه مه ۲۰۱۱، پاراگراف ۱۰

۷۳ کمیسیون در مورد قطع‌نامه‌های حقوق بشر (در سوال از مجازات اعدام): E/CN.4/RES/2005/59، پاراگراف ۵، E/CN.4/RES/2004/67، پاراگراف ۴، E/CN.4/RES/2003/67، پاراگراف ۴، E/CN.4/RES/2002/77، پاراگراف ۴

۷۴ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در سودان، (CCPR/C/79/Add.85) پاراگراف ۸، گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه (A/HRC/14/24/Add.1) پاراگراف ۴۵۰-۴۵۱، (E/CN.4/2006/53/Add.2) پاراگراف ۲، (E/CN.4/2006/53/Add.4) پاراگراف ۲۶، ۳۷، ۱۰۴، (E/CN.4/2002/74) پاراگراف ۶۵

۷۵ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در سودان (CCPR/C/SDN/CO/3) پاراگراف ۱۹.

مرگ بایستی فقط برای جرم‌های بسیار جدی وضع شود؛ قیدی که به طور واضح موضوع گرایش جنسی را مستثنی کرده است.^{۷۶}

گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه با توجه به استفاده از قوانین شریعت در قسمت‌هایی از کشور نیجریه، بیان کرد: «اجرای حکم مرگ به اسم لواط برای رابطه جنسی در خلوت و به صورت خصوصی کاملاً با وظایف و التزامات بین‌المللی نیجریه ناسازگار است».^{۷۷} وقتی دولت نیجریه پاسخ داد که اعدام‌ها در عمل متوقف شده‌اند، گزارش‌گر ویژه تأکید کرد که فقط «احتمال اینکه ممکن است چنین حکمی صادر شود، متهم را برای سال‌ها می‌ترساند و او را تهدید می‌کند و این نوع وحشی‌گری، رفتار یا تنبیهی غیرانسانی و خفت‌آور است. صرف وجود مجازات اعدام، آزار و اذیت صورت گرفته توسط گروه‌های خودسر را توجیه می‌کند و راه سوءاستفاده را باز می‌گذارد».^{۷۸}

گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان در گزارش مربوط به سال ۲۰۱۰ خود برای شورای حقوق بشر ذکر کرد:

یگزارش‌گر ویژه باور دارد که وضع حکم اعدام برای انجام رابطه جنسی رضایت‌مندانه، نه تنها کاری خلاف وجدان است که بیشتر نشان‌دهنده محرومیت خودسرانه از زندگی، ایجاد تجاوز به حق زندگی است که تحت بند ۶ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تعریف شده است.^{۷۹}

نگرانی دیگری که در نتیجه جرم شناختن رابطه جنسی بین دو همجنس به وجود می‌آید، دستگیری و بازداشت به خاطر گرایش جنسی است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و معاهده بین‌المللی حقوق بشر حق رهایی از توقیف و حبس خودسرانه را تضمین می‌کنند. کارگروه بازداشت خودسرانه بطور مکرر گوشزد کرده است که بازداشت شخص بر اساس گرایش جنسی او، تحت قوانین بین‌المللی ممنوع است.

در سال ۲۰۰۲ کارگروه، یک پرونده را بررسی کرد که در آن ۵۵ نفر در یک دیسکو بر روی قایق در رودخانه نیل دستگیر شده بودند. بازداشت‌شدگان متهم به «هرزگی (فساد اخلاقی)» و «نفاق اجتماعی» بودند. کارگروه نتیجه گرفت که دستگیری بر این اساس، تبعیض‌آمیز بوده و ناقض بندهای ۲ و ۲۶ از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی است و در نتیجه، بازداشت صورت گرفته در آن

۷۶ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه (E/CN.4/2000/3) پاراگراف ۵۷

۷۷ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه (E/CN.4/2006/53/Add.4) پاراگراف ۳۷

۷۸ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه (A/HRC/8/3/Add.3) پاراگراف ۷۶.

۷۹ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان (A/HRC/14/20) پاراگراف ۲۰.

پرونده خودسرانه بوده است.^{۸۰} در سال ۲۰۰۶ کارگروه نگرانی خود را از دستگیری ۱۱ مرد در کامرون اعلام کرد. این افراد تحت بند ۳۴۷ از قانون مجازات که روابط جنسی بین دو همجنس را به عنوان جرم می‌شناخت بازداشت شده بودند. بعدها معلوم شد که این بازداشت‌ها، خودسرانه و ناقص حقوق بین‌المللی بوده است. کارگروه ذکر کرد:

وجود قوانینی که رفتار جنسی رضایت‌مندانه بین افراد همجنس بالغ در حریم خصوصی آنان را جرم می‌شناسد و اعمال مجازات‌های کیفری علیه افراد متهم شده به این رفتارها ناقص حق داشتن حریم شخصی و ناقص حق رهایی از تبعیض است که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تعریف شده است. در نتیجه کارگروه مطرح می‌کند که قوانین تصویب شده کشور کامرون در جرم شناختن همجنس‌گرایی با بندهای ۱۷ و ۲۶ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ناسازگار است.^{۸۱}

کارگروه چنین نتایج مشابهی را در پرونده‌های اخیر خود بیان کرده است.^{۸۲} برای مثال کارگروه در مورد دستگیری و تنبیه ۴ مرد برای فساد اخلاقی در آگوزا مصر، بیان کرد: «فحاشی و شکنجه افراد به علت جنسیت آن‌ها اصول قوانین بین‌المللی حقوق بشر را نقض می‌کند.»^{۸۳} مشابه همین مورد در پرونده جمهوری اسلامی ایران، کمیته حقوق بشر از دولت خواست: «اطمینان دهد هر کس که تنها به علت رابطه جنسی رضایت‌مندانه یا فقط به علت گرایش جنسی دستگیر شده، سریعاً و بدون قید و شرط آزاد شود.»^{۸۴}

نتیجه‌گیری

جرم شمردن روابط جنسی رضایت‌مندانه بین افراد بالغ، تضمین‌های حقوق بشری بین‌المللی را درباره حریم خصوصی و عدم تبعیض، نقض می‌کند. استفاده از مجازات اعدام برای روابط جنسی رضایت‌مندانه، در تناقض با حق زندگی است. همچنین دستگیری یا بازداشت افراد به خاطر گرایش جنسی یا داشتن روابط جنسی رضایت‌مندانه با توجه به تضمین علیه بازداشت خودسرانه، ممنوع است. حتی اگر این قوانین هرگز اجرا هم نشوند، تعهدات دولت را تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر نقض

۸۰ کارگروه بازداشت‌های خودسرانه، نظریه شماره (۲۰۰۲/۷) در مصر (E/CN.4/2003/8/Add.1).

۸۱ کارگروه بازداشت‌های خودسرانه، نظریه شماره (۲۰۰۶/۲۲) در کامرون (A/HRC/4/40/Add.1) پاراگراف ۱۹.

۸۲ کارگروه بازداشت‌های خودسرانه، نظریه شماره (۲۰۰۸/۴۲) در مصر (A/HRC/13/30/Add.1) و شماره (۲۰۰۹/۲۵) در مصر (A/HRC/16/47/Add.1). همچنین نگاه کنید به گزارش کارگروه بازداشت‌های خودسرانه (A/HRC/16/47) در ضمیمه پاراگراف ۸ (e). (دسته‌بندی محرومیت‌های از آزادی بر اساس تبعیض در زمینه‌های هویت جنسی، در نقض قوانین بین‌المللی، به طور خودسرانه)

۸۳ کارگروه بازداشت‌های خودسرانه، نظریه شماره (۲۰۰۸/۴۲) پاراگراف ۲۵.

۸۴ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران (CCPR/C/IRN/CO/3) پاراگراف ۱۰.

می‌کند. دولت‌ها باید فوراً تمام قوانینی را که روابط جنسی رضایت‌مندانه و خصوصی افراد همجنس بزرگ‌سال را جرم می‌شناسند لغو کنند.



عشق، حق بنیادین انسان‌هاست

۴ - منع تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی

رهایی از تبعیض (مانند تبعیض بر اساس هویت و گرایش جنسی) حق هر کسی است. این حق بند ۲ از اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر و همین‌طور مقررات عدم تبعیض بر اساس پایه‌ای‌ترین اصول معاهدات حقوق بشر بین‌المللی حمایت شده است. به‌علاوه بند ۲۶ از اعلامیه بین‌المللی می‌گوید که همه در برابر قانون برابر هستند و همه بدون هیچ تبعیضی مورد حمایت قانون قرار می‌گیرند.



سوگند می‌خورم که با خشونت جنسی مبارزه کنم؛ همین حالا دست از تبعیض بکشید؛ از حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا حمایت کنید

اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر

بند ۲: هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد.

بند ۷: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و به طور مساوی از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور مساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

بند ۲ ماده ۱: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت‌شان، بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم بشمرند و اجرای این حقوق را تضمین بکنند.

بند ۲۶: کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت برابر قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و مساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها تضمین بکند.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

بند ۲: کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها تضمین نمایند.

کنوانسیون حقوق کودک

بند ۲: کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده، برای تمام کودکانی که در حوزه قضائی آن‌ها زندگی می‌کنند، بدون هیچ‌گونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت، جایگاه قومی و اجتماعی، ثروت، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصی والدین و یا قیم قانونی محترم بشمرند و اجرای این حقوق را تضمین خواهند نمود.

مواضع اتخاذ شده از سوی سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر

دگرباشان جنسی در بسیاری از جوانب زندگی روزانه خود با تبعیض دست‌وپنجه نرم می‌کنند. آن‌ها از تبعیض‌های رسمی بصورت قوانین و مقررات دولتی که همجنس‌گرایی را به عنوان جرم می‌شناسد رنج می‌برند. چنین تبعیض‌هایی مانع از اشتغال آن‌ها در یک سری مشاغل خاص می‌شود یا آن‌ها را از دسترسی به یک سری مزایای خاص محروم می‌کند. علاوه بر این، تبعیض‌های غیررسمی بصورت بدنام‌سازی اجتماعی شامل بر تبعیض در محل کار، خانه، مدرسه و بیمارستان و امکانات درمانی به این افراد اعمال می‌شود. با این همه، قوانین سازمان ملل در زمینه حقوق بشر تبعیض بر اساس هویت و گرایش جنسی را اکیداً ممنوع می‌داند. گرایش و هویت جنسی دقیقاً مانند نژاد، جنسیت، رنگ و یا مذهب، دلیلی برای ایجاد فرق بین افراد به شمار نمی‌رود.

قوانین بین‌المللی تبعیض را این گونه تعریف می‌کنند: هر گونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا برتری ویژه (به طور مستقیم یا غیر مستقیم) که بهره‌مندی افراد را در حقوقی که تحت قوانین بین‌المللی تضمین شده است، خدشه‌دار کند، تبعیض به شمار می‌رود.^{۸۵} واکنش‌های متمایز قانونی هم که (طبق اصول منع شده) زمینه‌های تبعیض را دامن می‌زنند نیز خود به منزله رفتار تبعیض‌آمیز تلقی می‌شوند؛ مگر اینکه دولت بتواند نشان دهد که توجیه و دلیلی برای این برخورد متفاوت وجود دارد که در عین حال منطقی و بی‌طرفانه هم باشد.

معاهده بین‌المللی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همگی در قوانین خود فهرست‌هایی را مشخص کرده‌اند که باعث ایجاد تبعیض می‌شوند و تمامی این موارد را ممنوع اعلام کرده‌اند. این فهرست‌ها به صراحت از «گرایش جنسی» یا «هویت جنسی» اسم نمی‌برند، ولی تمامی آن‌ها دارای عبارت «دیگر وضعیت‌ها» هستند که چنین مواردی را در خود جای می‌دهند. استفاده از عبارت «دیگر وضعیت‌ها» نشان دهنده این است که این فهرست‌ها، با هدف اینکه بی‌انتها و توصیف‌گر باشند برنامه‌ریزی شده‌اند. عبارت دیگر زمینه‌های احتمالی تبعیض به موارد قید شده محدود نشده است. طبق نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:

ماهیت تبعیض با توجه به موقعیت، متفاوت است و در طول زمان تکامل و تغییر می‌یابد. در نتیجه ما به یک تعریف انعطاف‌پذیر در استفاده از عبارت «دیگر وضعیت‌ها» نیاز داریم تا بتوانیم شکل‌های گوناگونی از تبعیض را درون فهرستی بدانیم که در بند ۲، پاراگراف ۲ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اضافه شده است؛ شکل‌هایی از تبعیض که در آینده

۸۵ کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۱۸، پاراگراف ۷ و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۲۰، پاراگراف ۷. نگاه کنید به کنوانسیون بین‌المللی منع همه انواع تبعیض نژادی، بند ۱، کنوانسیون بین‌المللی منع همه انواع تبعیض از زنان بند ۱ و کنوانسیون حقوق افراد معلول، بند ۲.

به وجود می‌آیند در حالی که معقول نیستند و قابل توجیه نخواهند بود و به خاطر طبیعت خود تبعیض‌های دیگری را نیز به وجود خواهند آورد. مواردی که در عبارت «دیگر وضعیت‌ها» گنجانده می‌شوند، مواردی هستند که توسط گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر تجربه شده‌اند، آن‌ها را رنج داده‌اند و به حاشیه رانده‌اند و در نتیجه حضور این موارد در فهرست موارد تبعیض‌آمیز، قابل توجیه خواهد بود.^{۸۱}

نهاد‌های سازمان ملل در نظارت بر حسن اجرای معاهدات حقوق بشر، بر اساس حقوق قانون‌گذاری خود، با توسل به جمع‌بندی‌های نهایی و تفسیرهای عمومی بارها گفته‌اند که تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی طبق قوانین بین‌المللی ممنوع است. بعلاوه راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر از مدت‌ها پیش از این، تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی را در گزارش‌های خود اعلام کرده بود.

گرایش و هویت جنسی
دقیقاً مانند نژاد، جنسیت،
رنگ و یا مذهب، دلیلی
برای ایجاد فرق بین افراد
به شمار نمی‌رود.

در حکم پرونده تونن، کمیته حقوق بشر اعلام کرد که «ارجاع معنایی به "جنسیت" در بند ۲، پاراگراف ۱ و بند ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بایستی به عنوان گرایش جنسی در نظر گرفته شود».^{۸۷} بر اساس حکم پرونده یانگ در مقابل استرالیا، فیصله داده شده در سال ۲۰۰۳ و پرونده ایکس در برابر کلمبیا، فیصله داده شده در سال ۲۰۰۷، کمیته نتیجه گرفت که تفاوت در پرداخت حقوق بازنشستگی بین زوج‌های همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا، نقض حق رهایی از تبعیض بر اساس «جنسیت و گرایش جنسی» محسوب می‌شود.^{۸۸} کمیته حقوق بشر بعد از جریان پرونده تونن، در جمع‌بندی‌های نهایی متعدد خود، به دولت‌های عضو معاهده اخطار داده است که «حقوق مساوی را برای تمام افراد صرف‌نظر از گرایش جنسی آن‌ها تضمین کنند، همانطور که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است».^{۸۹} دولت‌ها «التزام قانونی دارند تا ... ضامن این باشند که تمامی افراد، برابر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی... بدون تبعیض بر اساس گرایش جنسی، از تمامی حقوق‌شان بهره‌مند گردند».^{۹۰} کمیته بارها درخواست تصویب و اجرای قانونی را کرده است که گرایش جنسی را تحت زمینه‌های ممنوعیت از

۸۶ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۲۰، پاراگراف ۲۷.

۸۷ CCPR/C/50/d/499/1992) پاراگراف ۸،۷

۸۸ پرونده یانگ علیه دولت استرالیا، مکاتبات کمیته حقوق بشر شماره (۲۰۰۰/۹۴۱)، (CCPR/C/78/D/941/2000) پاراگراف ۱۰،۴، پرونده ایکس علیه کشور کلمبیا، مکاتبات کمیته حقوق بشر (۲۰۰۵/۱۳۶۱)، (CCPR/C/89/D/1361/2005) پاراگراف ۹

۸۹ تضمین حقوق برابر برای همه صرف‌نظر از گرایش جنسی: جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در شیلی (CCPR/C/78) پاراگراف ۱۶، همچنین نگاه کنید به جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در سان مارینو (CCPR/C/SMR/CO/2) پاراگراف ۷ و اتریش (CCPR/C/AUT/CO/4) پاراگراف ۸.

۹۰ (CCPR/C/USA/CO/3) پاراگراف ۲۵.

تبعیض قرار می‌دهد.^{۹۱} کمیته همچنین از عملکرد دولت‌ها زمانی که تغییر در جنسیت را با صدور اسناد هویتی جدید رسمیت نمی‌بخشند، اظهار نگرانی کرده است و وضع قوانین جدید را برای به رسمیت شناختن تغییر جنسیت قانونی افراد، خواستار شده است.^{۹۲}

کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح کرده است که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عدم تبعیض شامل گرایش جنسی هم می‌شود. علاوه بر تضمین بر عدم تبعیض در تفسیرهای عمومی مواردی چون حق دسترسی به کار، حق دسترسی به آب آشامیدنی، حق تامین اجتماعی، حق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان منعکس شده است.^{۹۳} در سال ۲۰۰۹ کمیته توضیح داد که تضمین بر عدم تبعیض، شامل هویت جنسی می‌شود؛ با بیان اینکه «افرادی که تراجنسی یا دوجنسه هستند اغلب با نقض حقوق بشر مانند آزار و اذیت در مدرسه یا محیط کار مواجه هستند».^{۹۴}



۹۱ استقبال از قوانین عدم تبعیض: جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در یونان (CCPR/CO/83/GRC) پاراگراف ۵، فنلاند (CCPR/CO/82/FIN) پاراگراف ۳، اسلواکی (CCPR/CO/78/SVK) پاراگراف ۴، سوئد (CCPR/C/SWE/CO/6) پاراگراف ۳، دانمارک (CCPR/C/DNK/CO/5) پاراگراف ۴، فرانسه (CCPR/C/FRA/CO/4). جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع تبعیض علیه زنان در منته نگرو (CEDAW/C/MNE/CO/1) پاراگراف ۴ (b).

۹۲ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در ایرلند (CCPR/C/IRL/CO/3) پاراگراف ۸، پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی (CCPR/C/GBR/CO/6)، پاراگراف ۵.

۹۳ گرایش جنسی: کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۲۰ (عدم تبعیض در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) پاراگراف ۳۲، شماره ۱۹ (حق امنیت اجتماعی) پاراگراف ۲۹، شماره ۱۸ (حق کار) پاراگراف ۱۲ (b)، شماره ۱۵ (حق دسترسی به آب) پاراگراف ۱۳، شماره ۱۴ (حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان) پاراگراف ۱۸.

۹۴ هویت جنسی: کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۲۰ (عدم تبعیض در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) پاراگراف ۳۲.

کمیته در جمع‌بندی‌های نهایی خود، نگرانی‌اش را در مورد تبعیض علیه دگرباشان جنسی در برآورده کردن حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان اعلام کرده است. همچنین خواستار تصویب قوانینی برای حمایت از این افراد در برابر تبعیض شده است.^{۹۵} همین‌طور دولت‌ها را برای اعمال چنین قانون‌های حمایتی ستوده و از آن‌ها قدرانی کرده است.^{۹۶}

کمیته در مورد حقوق کودک، همین‌طور حق عدم تبعیض تحت بند ۲ از کنوانسیون حقوق کودک برای شامل کردن گرایش جنسی^{۹۷} و هویت جنسی^{۹۸} را توضیح می‌دهد. کمیته در جمع‌بندی‌های نهایی خود نگرانی‌هایی را درباره قوانینی که از افراد در برابر تبعیض به علت گرایش یا هویت جنسی محافظت نمی‌کنند، مطرح کرده است. کمیته همچنین نسبت به تلاش ناکافی برای مقابله با چنین تبعیض‌های^{۹۹} (برای مثال در مورد کشور انگلستان) ابراز نگرانی کرده است. «تبعیض‌هایی که کودکانی مانند کودکان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی را هدف خود قرار می‌دهد و آن‌ها را در سطح جامعه بدنام می‌سازد».^{۱۰۰} کمیته متذکر شد که دولت برنامه‌های آگاه‌سازی و فعالیت‌های دیگر خود را برای جلوگیری از چنین تبعیض‌هایی تشدید کند و هرکجا لازم بود اقدامات مثبت به نفع این دسته از کودکان انجام دهد.

کنوانسیون منع شکنجه فهرستی از زمینه‌های تبعیض ندارد. در عوض در بند ۱ ذکر می‌کند که تحمیل عمدی درد و رنج شدید یا رنج کشیدن به علل مختلف شامل دلایلی مثل «تبعیض به هر نحوی»، شکنجه به شمار می‌رود. در تفسیر عمومی شماره ۲ کمیته منع شکنجه توضیح می‌دهد، تعهد دولت‌ها برای جلوگیری از شکنجه شامل التزام آن‌ها برای تضمین این موضوع می‌شود که «قوانین‌شان در

۹۵ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در لهستان (E/C.12/POL/CO/5) پاراگراف ۱۲، چین (E/C.12/1/Add.107) پاراگراف ۷۸، ترینیداد و توباگو (E/C.12/1/Add.80) پاراگراف ۱۴

۹۶ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایرلند (E/C.12/1/Add.35) پاراگراف ۵، سوئد (E/C.12/1/Add.70) پاراگراف ۸، لیختن‌اشتاین (E/C.12/LIE/CO/1) پاراگراف ۶، موناکو (E/C.12/MCO/CO/1) پاراگراف ۳، برزیل (E/C.12/CO/BRA/2) پاراگراف ۳.

۹۷ کمیته حقوق کودک، تفسیر عمومی شماره ۴ (سلامت نوجوانان و توسعه آن در چهارچوب کنوانسیون حقوق کودک) پاراگراف ۶ و شماره ۳ (اچ‌آی‌وی/ایدز و حقوق کودک) پاراگراف ۸

۹۸ کمیته حقوق کودک، تفسیر عمومی شماره ۱۳ (حق کودک به رهایی از همه شکل‌های خشونت) پاراگراف ۶۰ و ۷۲ (g) (با تأکید بر اینکه کشورهای عضو باید به مقابله با تبعیض علیه گروه‌های آسیب‌پذیر و یا به حاشیه رانده شده‌ی کودکان شامل کودکان همجنس‌گرا و تراجنسی بپردازند).

۹۹ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق کودک در نیوزیلند (CRC/C/NZL/CO/3-4) پاراگراف ۲۵، اسلواکی (CRC/C/SVK/CO/2) پاراگراف ۲۷، مالزی (CRC/C/MYS/CO/1) پاراگراف ۳۱، چین (CRC/C/CHN/CO/2) پاراگراف ۳۱، «جزیره مردان»، بریتانیا (CRC/C/15/Add.134) پاراگراف ۲۲.

۱۰۰ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق کودک در پادشاهی بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی (CRC/C/GBR/CP/4) پاراگراف ۲۴ و ۲۵.

عمل شامل همه انسان‌هاست» صرف‌نظر از تفاوت‌های خصوصیات فردی مانند «گرایش جنسی» و «هویت تراجنسی».^{۱۰۱} کمیته در جمع‌بندی‌های نهایی خود نگرانی‌هایش را درباره سواستفاده فیزیکی و جنسی توسط پلیس و زندان‌بانان علیه افراد «بر اساس گرایش جنسی یا هویت تراجنسی آن‌ها، بیان کرده است».^{۱۰۲} این اظهارات اینگونه بیان شد:

کمیته به طور مشخص این هشدار را به جامعه می‌دهد که قوانین مربوط به عفت و اخلاق عمومی، می‌تواند به پلیس و قضات این قدرت و اختیار ویژه را بدهد که علیه این گروه از مردم سوءاستفاده کنند. سواستفاده‌هایی که ناشی از تعصب و رفتارهای تبعیض‌آمیز است.^{۱۰۳}

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فهرستی از زمینه‌های تبعیض‌آمیز ندارد. با این همه کمیته رفع تبعیض علیه زنان تأکید می‌کند هنگامی که همه انواع تبعیض در یک جامعه هم‌زمان علیه زنان رخ می‌دهد، عکس‌العمل دولت نشان می‌دهد که چه مقدار به تعهدات خود تحت کنوانسیون پای‌بند بوده است. «تبعیض علیه زنان بر اساس جنس و جنسیت بطور جدایی‌ناپذیری وابسته به عوامل دیگر مانند نژاد، قومیت، مذهب یا عقیده، سلامت، موقعیت، سن، طبقه، گروه و گرایش و هویت جنسی است که بر روی وضعیت زنان تأثیرگذار است. دولت‌ها بایستی بطور قانونی این نوع تبعیض‌های به هم وابسته و تأثیرات منفی آمیخته در آن‌ها را بر زنان تشخیص داده و تمامی این عوامل را ممنوع کنند».^{۱۰۴} در توصیه عمومی شماره ۲۷ کمیته توضیح می‌دهد که تبعیض در مواجهه با زنان مسن‌تر «اغلب، چند بعدی بوده که عامل سن با انواع دیگر تبعیض بر اساس جنس، منشاء قومی، ناتوانی جسمی، سطح فقر، گرایش و هویت جنسی، وضعیت مهاجرت، وضعیت خانوادگی و تاهل، سطح سواد و عوامل دیگر آمیخته می‌شود».^{۱۰۵}

۱۰۱ کمیته منع شکنجه، تفسیر عمومی شماره ۲ (اجرای بند ۲ توسط دولت‌های عضو) پاراگراف ۲۱

۱۰۲ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع شکنجه در کاستاریکا (CAT/C/CRI/CO/2) پاراگراف ۱۱ و ۱۸، همچنین نگاه کنید به: لتونی (CAT/C/LVA/CO/2) پاراگراف ۱۹ (افزایش نگرانی درباره رفتار خشونت‌بار و تبعیض‌آمیز علیه همجنس‌گرایان)، لهستان (CAT/C/POL/CO/4) پاراگراف ۲۰ (سخنان تنفرآمیز و عدم تحمل و شکیبایی علیه همجنس‌گرایان)، ایالات متحد آمریکا (CAT/C/USA/CO/2)، اکوادور (CAT/C/EQU/CO/2) پاراگراف ۱۷.

۱۰۳ (CAT/C/CRI/CO/2)، پاراگراف ۱۱.

۱۰۴ کمیته منع تبعیض علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۲۸ (درباره تعهدات اصلی دولت‌های عضو تحت بند ۲) پاراگراف ۱۸.

۱۰۵ کمیته منع تبعیض علیه زنان، توصیه عمومی شماره ۲۷ (درباره زنان مسن‌تر و حفاظت از حقوق آن‌ها) پاراگراف ۱۳.



کمیته رفع تبعیض علیه زنان خواستار توجه به تبعیض علیه زنان بر اساس گرایش و هویت جنسی آنها شده است.^{۱۰۶} در جمع‌بندی‌های نهایی سال ۲۰۱۰ در مورد کشور اوگاندا کمیته «نگرانی جدی خود را در مورد آزار و اذیت‌های گزارش شده، خشونت، جرائم بر خاسته از نفرت و تحریک دیگران به تنفر علیه زنان به خاطر هویت و گرایش جنسی آنها اظهار کرد. کمیته همچنین نگران است که زنان با تبعیض در محیط کار، اشتغال، خدمات درمانی، آموزش و سایر زمینه‌ها مواجه شوند». کمیته از دولت اوگاندا خواست تا «حفاظت موثری از زنان در برابر خشونت و تبعیضی که آنها به خاطر گرایش و هویت جنسی‌شان مواجه می‌شوند، به ویژه از طریق اجرای قوانین جامع ضد تبعیض فراهم آورد. چنین قوانینی باید انواع مختلف تبعیض علیه زنان را - که ممکن است در همه زمینه‌ها و بر اساس هویت و گرایش جنسی زنان صورت می‌گیرد - ممنوع سازد».^{۱۰۷}

۱۰۶ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع تبعیض علیه زنان در پاناما (CEDAW/C/PAN/CO/7) پاراگراف ۲۲، همچنین نگاه کنید به آلمان (CEDAW/C/DEU/CO/6) پاراگراف ۶۱ و ۶۲ آرژانتین (CEDAW/C/ARG/CO/6) پاراگراف ۴۳ و ۴۴، آفریقای جنوبی (CEDAW/C/) پاراگراف ۳۹ و ۴۰، قرقیزستان (A/54/38, 20) پاراگراف ۱۲۸

۱۰۷ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع تبعیض علیه زنان در اوگاندا (CEDAW/C/UGA/CO/7) پاراگراف ۴۳، ۴۴.

تعدادی از نهادهای سازمان ملل در نظارت بر حسن اجرای معاهدات حقوق بشر بطور مشخص قوانینی را ذکر کرده‌اند که در آن‌ها بر اساس هویت جنسی تبعیض وجود دارد. در پرونده کشور کویت، کمیته حقوق بشر نگرانی خود را در مورد «جرم قضایی جدید که در آن افرادی که لباس، پوشش و رفتار جنس مخالف را تقلید کنند و مجازات می‌شوند مطرح کرده است و از دولت خواسته که این قانون را لغو کند تا قوانین این کشور با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همسو باشند».^{۱۰۸} کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تأسف مشاهده کرده است که تراجنسی‌ها و دوجنسه‌ها به عنوان بیمار روانی شناخته می‌شوند. همین‌طور از نقض حقوق جنسی و بهداشت باروری این افراد که ناقض بند ۱۲ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد، ابراز نگرانی کرده است. از کشور آلمان خواسته شد که معیارهایی را بکار گیرد که از «حیثیت و حقوق جنسی و بهداشت باروری افراد تراجنسی و دوجنسه» محافظت کند.^{۱۰۹} کمیته رفع تبعیض حقوق زنان در مورد کشور کاستاریکا از معرفی کارت‌های شناسایی جدید استقبال کرد که به هویت جنسی افراد احترام می‌گذارد و افراد تراجنسی و دوجنسه را شامل خود کرده است.^{۱۱۰}

موارد ویژه‌ای که باید به آن‌ها توجه داشت

حق حمایت شدن در برابر تبعیض بر اساس گرایش و هویت جنسی، شامل برخورداری از تمام حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. زمینه‌های ویژه‌ای چون اشتغال، سلامت و آموزش در جزوه حاضر بررسی و بحث می‌شوند. با این حال، نهادهای سازمان ملل در نظارت بر حسن اجرای معاهدات حقوق بشر و راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر، تبعیض در زمینه‌های دسترسی به سایر خدمات اساسی شامل مسکن و مزایای اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند.^{۱۱۱}

- ۱۰۸ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در کویت (CCPR/C/KWT/CO/2) پاراگراف ۳۰.
- ۱۰۹ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آلمان (E/C.12/DEU/CO/5) پاراگراف ۲۶.
- ۱۱۰ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع تبعیض علیه زنان در کاستاریکا (CEDAW/C/CRI/CO/5-6) پاراگراف ۴۰.
- ۱۱۱ **تبعیض در دسترسی به خدمات اولیه:** جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در فدراسیون روسیه (CCPR/C/RUS/CO/6) پاراگراف ۲۷، ژاپن (CCPR/C/JPN/CO/5) پاراگراف ۲۹. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۲۰، پاراگراف ۳۲، گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع مسکن مناسب به عنوان جزئی از حق داشتن زندگی با استاندارد مناسب (A/HRC/10/7/Add.3) پاراگراف ۵۰، (A/HRC/4/18/Add.2) پاراگراف ۱۲۵، (E/CN.4/2006/118) پاراگراف ۳۰، (E/CN.4/2005/43) پاراگراف ۶۳ گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان (E/CN.4/2004/49) پاراگراف ۳۸، (E/CN.4/2003/58) پاراگراف ۶۸ گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آموزش (E/CN.4/2006/45) پاراگراف ۱۱۳، (E/CN.4/2001/52) پاراگراف ۷۵. گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع مسکن مناسب (A/HRC/10/7/Add.3) پاراگراف ۵۰، (A/HRC/4/18/Add.2) پاراگراف ۱۲۵، (A/HRC/7/16) پاراگراف ۱۲۵، (E/CN.4/2006/118) پاراگراف ۳۰، (E/CN.4/2005/43) پاراگراف ۶۳ گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع خشونت علیه زنان (E/CN.4/2005/72/Add.1) پاراگراف‌های ۲۳۲-۲۳۴.

اشتغال

بند ۶ از میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر می‌کند: «دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حاضر، حق کار را به رسمیت می‌شناسند. این شامل حق هر کسی می‌شود که از طریق کاری که با آزادی تمام انتخاب و قبول کرده است امرار معاش کند. این دولت‌ها در راستای احقاق این حقوق، اقدامات مناسب را انجام خواهند داد». کمیته حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ذکر کرده که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «تبعیض در دسترسی به شغل یا حفظ آن بر اساس ... و گرایش جنسی را ممنوع می‌داند».^{۱۱۲} این قاعده عدم تبعیض، شامل تمامی جوانب حق اشتغال است. دولت‌ها در نتیجه ملزم هستند تا متضمن شوند که حق کار

بدون اعمال هر گونه تبعیضی شامل همه افراد می‌شود. دولت‌ها بایستی به حق اشتغال با صرف نظر کردن از دسترسی محدود یا عدم دسترسی به کار مناسب برای همه افراد احترام بگذارند، به ویژه برای «گروه‌ها و اشخاص محروم و به حاشیه رانده شده».^{۱۱۳} هر گونه تبعیض در دسترسی افراد به بازار کار یا استفاده از مزایای خاص برای کسب شغل، «ناقض میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» است.^{۱۱۴}

در مورد مزایای اشتغال، یک دولت نمی‌تواند بین زوج‌های ازدواج نکرده و همجنس‌گرا تفاوت قائل باشد.

در مورد مزایای اشتغال، یک دولت نمی‌تواند بین زوج‌های ازدواج نکرده دگرجنس‌گرا و همجنس‌گرا تفاوت قائل باشد. کمیته حقوق بشر در پرونده کلمبیا متوجه شد که دولت برای اعطای مزایای مستمری برای زوج‌های همجنس ازدواج نکرده موفق عمل نکرده است، در حالی که همان مزایا به زوج‌های دگرجنس‌گرای ازدواج نکرده اعطا شده بود که این موضوع، نقض حقوق تایید شده توسط میثاق بین‌المللی محسوب می‌شد.^{۱۱۵} در مورد پرونده یانگ در برابر استرالیا که بطور جامع همان موضوعات و حقایق را شامل می‌شد، کمیته چنین بیان کرد:

دولت عضو معاهده، استدلالی در توجیه عادلانه و عقلانی بودن تبعیض بین زوج‌های همجنس‌گرا - که از مزایای قانونی حقوق بازنشستگی برخوردار نیستند - و زوج‌های دگرجنس‌گرا - که حتی بدون ازدواج از چنین مزایایی بهره‌مند می‌شوند - ارائه نداده است. بعلاوه هیچگونه شواهدی که حاکی از وجود توجیه چنین تبعیضی باشد نیز در دسترس نیست.

۱۱۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۱۸ (حق کار)، پاراگراف ۱۲ (b)(۱).

۱۱۳ پانویس قبلی، پاراگراف ۲۳

۱۱۴ پانویس قبلی، پاراگراف ۳۳

۱۱۵ CCPR/C/89/D/1361/2005) پاراگراف ۷,۲

بر این اساس کمیته اعلام می‌کند که دولت عضو معاهده، بند ۲۶ از میثاق بین‌المللی را با انکار حق مستمری به فرد به علت جنس و گرایش جنسی‌اش، نقض کرده است.^{۱۱۶}

سلامت

دگرباشان جنسی همین‌طور با موانع بسیاری در برخورداری از حق سلامت روبرو هستند. بند ۱۲ (ماده ۱) از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر می‌کند: «دولت‌های عضو میثاق حاضر، باید حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان را به رسمیت بشناسند». کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی خود در مورد بند ۱۲ می‌گوید:

حق بهداشت نبایستی فقط به عنوان حق سلامتی برداشت شود و باید حق بهداشت شامل تمامی آزادی‌ها و حقوق مربوطه باشد. حق آزادی شامل حق کنترل شخص بر سلامتی و بدنش بوده و شامل آزادی جنسی و حق باروری باشد. همچنین این حق شامل حق رهایی از هر گونه دخالتی مانند درمان دارویی و آزمایش‌های پزشکی بدون رضایت فرد و حق رهایی از شکنجه است. در مقابل، این حقوق شامل برخورداری از سیستم حفاظت پزشکی که برای مردم این فرصت برابر را ایجاد می‌کند که از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان برخوردار است.^{۱۱۷}

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۴ ذکر می‌کند که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «هر گونه تبعیض در دسترسی به خدمات درمانی و استفاده از مزایای خاص برای کسب آن‌ها را بر اساس... گرایش جنسی ممنوع اعلام می‌کند».^{۱۱۸} در تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته توضیح می‌دهد که «دیگر وضعیت‌ها» در بند ۲ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شامل گرایش و هویت جنسی نیز می‌شود.^{۱۱۹} برآورده کردن «حق دسترسی به خدمات، سرویس‌ها و امکانات درمانی بدون تبعیض‌گذاری، به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده»، یکی از ضروری‌ترین و فوری‌ترین وظایف دولت‌ها می‌باشد.^{۱۲۰}

۱۱۶ CCPR/C/78/D/941/2000) پاراگراف ۱۰،۴

۱۱۷ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۱۴، پاراگراف ۸

۱۱۸ پانویس قبلی، پاراگراف ۱۸

۱۱۹ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۲۰، پاراگراف ۳۲

۱۲۰ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفسیر عمومی شماره ۱۴، پاراگراف ۴۳ (a)

اگر چه در سال ۱۹۹۲ سازمان جهانی بهداشت، همجنس‌گرایی را از دسته بیماری‌ها خارج کرد ولی تعدادی از کشورها همچنان به همجنس‌گرایی به عنوان یک بیماری نگاه می‌کنند. گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه ذکر کرده است که «اقلیت‌های جنسی خارج از انتخاب و اختیار خود، مجبور به مراجعه به مراکز پزشکی دولتی شده‌اند که به گفته آنان مجبور به درمان‌های اجباری به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسی می‌شوند. این درمان‌ها شامل شوک الکتریکی و دیگر «درمان‌ها» می‌شود که بنا به گزارش‌ها باعث آسیب‌های فراوان جسمی و روانی خواهد بود.»^{۱۲۱}

جرم شناختن رفتار جنسی بین دو همجنس بر حق دسترسی به بهداشت تاثیر می‌گذارد؛ چرا که به‌خاطر ترس از اینکه به طور بالقوه مجرم تلقی شوند، از دسترسی به خدمات درمانی چشم‌پوشی می‌کنند. در نتیجه این رویکرد، برخی متخصصان پزشکی این حق را به خود می‌دهند که از ارائه خدمات به بخشی از مردم جلوگیری کنند. علاوه بر جرم شناختن رابطه جنسی بین دو همجنس به این معناست که برنامه و قوانین سلامت ملی، نیازهای بهداشتی ویژه را برای جامعه اقلیت‌های جنسی در نظر نمی‌گیرند. گزارش‌گر ویژه در موضوع حق سلامت در گزارش سال ۲۰۱۰ خود به شورای حقوق بشر می‌گوید:

قوانین کیفری موجود در بحث رابطه جنسی رضایت‌مندان بین افراد همجنس و گرایش و هویت جنسی افراد، اغلب ناقض زمینه‌های مختلف حقوق بشر از جمله حق سلامت می‌شود. این قوانین عموماً تبعیض‌آمیز هستند و به این صورت باعث نقض دسترسی به حق سلامت می‌شوند که این قاعده نیازمند تامین عدالت در دسترسی برابر و یکسان برای همه مردم است. تاثیر تبعیض در مورد خدمات سلامتی به خاطر گرایش جنسی و رفتار جنسی وسیع بوده و از دسترسی افراد تحت تاثیر این امر به سایر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود جلوگیری می‌کند. از این رو تخلف در دیگر زمینه‌های حقوق بشر مانند کوتاهی در ایجاد دسترسی به اشتغال یا مسکن، بر تحقق حق سلامت افراد تاثیر می‌گذارد.^{۱۲۲}

گزارش‌گر ویژه، تاثیرات جرم‌انگاری بر حق سلامت را در سه گروه دسته‌بندی می‌کند: جلوگیری از دسترسی به خدمات بهداشتی؛ خشونت و سواستفاده؛ و بدنام‌سازی اجتماعی. زمانی که روابط جنسی همجنس خواهانه حالت جرم به خود بگیرد، اشخاص قادر به دسترسی به سرویس‌های موثر و کارآمد بهداشتی نخواهند بود. این جرم شمردن، روش‌های پیشگیرانه بهداشتی را با توجه به نیازهای جامعه اقلیت‌های جنسی، به هم می‌ریزد. متخصصان پزشکی ممکن است از درمان کسانی که رابطه جنسی همجنس خواهانه دارند، خودداری کنند و یا با آن‌ها با دشمنی و خصومت برخورد کنند.^{۱۲۳} مجرم

۱۲۱ گزارش‌گر ویژه در موضوع شکنجه (A/56/156) پاراگراف ۲۱

۱۲۲ گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان (A/HRC/14/20) پاراگراف ۶

۱۲۳ جرم‌انگاری و سلامت: همان قبلی، پاراگراف ۱۷-۲۱



شناختن روابط همجنس خواهانه به بدنام‌سازی اجتماعی، «از طریق تقویت باورهای متعصبانه موجود و کلیشه‌های دائمی بر ننگ بودن چنین روابطی» دامن می‌زند.^{۱۲۴} داغ ننگ دانستن و بدنام‌سازی، به نوبه خود، «از کار و فعالیت سازمان‌های قانون‌گذار و سیاست‌گذار جلوگیری می‌کند. همچنین آن‌ها را از پرداختن کافی به مسایل مربوط به بهداشت و سلامت در جامعه به ویژه برای افرادی که در معرض خطر نقض بهره‌مندی از حق سلامت هستند، باز می‌دارد».^{۱۲۵} طبق اظهارات گزارش‌گر ویژه، دولت‌ها بایستی رابطه جنسی رضایت‌مندانه بین افراد همجنس را از لیست جرایم خارج سازند تا بتوانند «به تعهدات اساسی حق سلامت تمامی افراد و ایجاد فضایی برای توانایی بهره‌مندی از این حقوق پاسخگو باشند».^{۱۲۶}

جرم شمردن روابط جنسی رضایت‌مندانه همچنین تاثیر نامطلوبی بر روی فعالیت‌های کمپین‌های سلامت عمومی علیه گسترش اچ‌آی‌وی/ایدز دارد.^{۱۲۷} در پرونده تونن، کمیته حقوق بشر این ادعای مقامات تاسمانی را که می‌پنداشتند جرم دانستن روابط جنسی رضایت‌مندانه بین دو همجنس، یک عامل ضروری برای سلامت عمومی است، رد کرد. بر عکس این موضوع، دولت استرالیا مشاهده کرد، «قوانینی که به منظور جرم‌انگاری فعالیت‌های همجنس‌گرایانه وضع شده بودند، با نادیده گرفتن بسیاری از مردم که در معرض خطر بیماری‌های عفونی بودند، مانعی بزرگ برای اجرای برنامه‌های

۱۲۴ همان قبلی، پاراگراف ۲۲

۱۲۵ همان قبلی، پاراگراف ۲۳

۱۲۶ همان قبلی، پاراگراف ۲۶

۱۲۷ جرم‌انگاری و اچ‌آی‌وی/ایدز: جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در کامرون (CCPR/C/CMR/CO/4) پاراگراف ۱۲، جامائیکا (CCPR/C/JAM/CO/3) پاراگراف ۹

سلامت عمومی می‌شدند. بنابراین جرم دانستن فعالیت‌های همجنس‌گرایانه عقب‌گردی در اجرای برنامه‌های آموزشی موثر جهت جلوگیری از گسترش اچ‌آی‌وی/ایدز است.^{۱۲۸}

آثار منفی ناشی از قوانین جزایی، همیشه توسط راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر مورد سوال و توجه بوده است. چهار تن از اعضای راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر در یک نامه مشترک به کشور اوگاندا، در مورد پیش‌نویس لایحه ضد همجنس‌گرایی نگرانی خود را چنین اظهار کردند:

اگر این لایحه به اجرا درآید، دسترسی دگرباشان جنسی به اطلاعات و خدمات مربوط به اچ‌آی‌وی و سلامت با مشکل روبرو می‌کند. در نتیجه حمایت ملی برای مبارزه با اچ‌آی‌وی را تضعیف می‌کند که نه تنها دگرباشان جنسی را از دسترسی و درخواست خدمات ناامید می‌کند، بلکه از خدمت‌رسانی و اطلاع‌رسانی به اعضای این جامعه هم جلوگیری می‌کند.^{۱۲۹}

با توجه به قانون پیشنهادی در کشور برون‌دی، گزارش‌گر ویژه در موضوع سلامت بیان کرد که جرم شناختن همجنس‌گرایی باعث تاثیرات زیان‌آور در تلاش دولت برون‌دی در مقابله با اچ‌آی‌وی می‌شود. او همچنین متذکر شد:

مقررات بین‌المللی بهداشتی در مورد بیماری عالم‌گیر اچ‌آی‌وی/ایدز بطور واضح نشان می‌دهد که جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی، همزمان با تلاش برای مقابله با تبعیض علیه دگرباشان جنسی، یک ابزار اساسی برای مقابله با گسترش این ویروس است. علاوه بر این اگر پیش‌نویس قانون مورد سوال به مرحله اجرا درآید، این عامل از دسترسی به اطلاعات، درمان و مراقبت از همجنس‌گرایان با اچ‌آی‌وی مثبت در برون‌دی جلوگیری نموده و متعاقباً می‌تواند عملکرد ملی را در مقابله با بیماری عالم‌گیر اچ‌آی‌وی/ایدز به خطر اندازد.^{۱۳۰}

نظرات مشابهی توسط گزارش‌گر ویژه در موضوع سلامت در مورد قانون پیشنهادی در جمهوری دموکراتیک کنگو داده شده بود.^{۱۳۱}

در بسیاری از کشورها، تراجنسی‌ها با مشکلات ویژه‌ای در زمینه دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی عمومی مواجه هستند. عمل‌های جراحی تغییر جنسیت، اگر موجود باشند آنقدر گران هستند که شخص از انجام این عمل صرف نظر می‌کند. در این موارد همچنین کمک دولتی یا پوشش بیمه هم بندرت

۱۲۸ پاراگراف ۸،۵ (CCPR/C/50/D/488/1992)

۱۲۹ گزارش‌گر ویژه اعدام‌های فراقانونی، شتاب‌زده یا خودسرانه (A/HRC/14/24/Add.1) پاراگراف ۱۱۴۱.

۱۳۰ گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق همگان برای برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول در زمینه سلامت بدن و روان (A/HRC/14/20/Add.1) پاراگراف ۱۴ (ترجمه غیررسمی).

۱۳۱ گزارش‌گر ویژه حق آزادی بیان و عقیده (A/HRC/17/27/27) پاراگراف ۶۷۵

موجود دارد. کارشناسان سلامت و درمان اغلب نسبت به نیازهای افراد تراجنسی بی تفاوت بوده و از آموزش‌های حرفه‌ای لازم برخوردار نیستند.^{۱۳۲} علاوه بر کودکان دوجنسه که با خصوصیت جنسی غیرمعمولی متولد می‌شوند نیز اغلب مورد تبعیض واقع می‌شوند. آن‌ها تحت عمل‌های جراحی غیر ضروری قرار می‌گیرند که بدون رضایت شخصی آن‌ها و یا خانواده‌شان است. این عمل‌ها عموماً به منظور تلاش برای اصلاح آن‌ها صورت می‌گیرد.^{۱۳۳}

آموزش

تبعیض در مدارس و سایر موسسات آموزشی بطور گسترده می‌تواند به توانایی و بهره‌مندی از حق آموزش افراد جوان که به عنوان دگرباش جنسی (همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، تراجنسی و یا دوجنسه) شناخته می‌شوند، لطمه بزند. در برخی موارد، مقامات آموزشی و پرورش به خاطر گرایش جنسی یا سیما و حالت جنسی این جوانان تبعیض فراوانی بر آن‌ها قائل می‌شوند که در مواردی باعث عدم ثبت‌نام یا اخراج آن‌ها از مدرسه می‌شود.^{۱۳۴} علاوه بر دگرباشان جنسی بارها خشونت و آزاد و اذیت که شامل قلدری از طرف هم‌کلاسی‌ها و معلم‌ها در مدرسه می‌شود، تجربه می‌کنند.^{۱۳۵} مقابله با این نوع اعمال تعصب‌آمیز و ترسناک، نیازمند تلاش‌های همه جانبه از طرف مقامات آموزش و پرورش است. یکپارچه‌سازی قوانین از طرف این مقامات برای عدم تبعیض و درک تنوع در برنامه‌های آموزشی و گفت‌وگو موجود در سطح جامعه است. رسانه‌های جمعی هم نقش عمده‌ای دارند تا کلیشه‌های منفی در مورد دگرباشان جنسی را از بین ببرند که این کار را می‌توانند در برنامه‌های معروف تلویزیونی بین افراد جوان انجام دهند.

کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته دفاع از حقوق کودک نگرانی‌های خود را در مورد تبعیض‌های همجنس‌گراستیزانه در مدارس بیان کرده‌اند و خواستار انجام روش‌هایی برای مقابله با رفتارهای دگرباش‌ستیزانه شده‌اند.^{۱۳۶} طبق گزارش‌های یونسکو، «اغلب در حیطه دبستان‌ها

۱۳۲ «حقوق بشر و هویت جنسی»، شورای کمیساریایی اروپا برای حقوق بشر، ۲۰۰۹، پاراگراف ۳،۳، «پیشگیری و درمان اچ‌آی‌وی و دیگر بیماری‌های مقاربتی» سازمان جهانی بهداشت، صفحه ۳۰-۳۱

۱۳۳ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته منع تبعیض علیه زنان در کاستاریکا (CEDAW/C/CRI/CO/5-6) پاراگراف ۴۰.

۱۳۴ (E/CN.4/2006/45) پاراگراف ۱۱۳

۱۳۵ برای مثال نگاه کنید به: (E/CN.4/2001/52) پاراگراف ۷۵ و (E/CN.4/2006/45) پاراگراف ۱۱۳

۱۳۶ برای مثال نگاه کنید به جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در مکزیک (CCPR/C/MEX/CO/5) پاراگراف ۲۱. جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در لهستان (E/C.12/POL/CO/5) پاراگراف ۱۲-۱۳ و کمیته حقوق کودک، تفسیر عمومی شماره ۳ (CRC/GC/2003/3) پاراگراف ۸ و شماره ۱۳ (CRC/C/GC/13) پاراگراف ۶۰ و ۷۲ (g) و

و مهد کودک‌ها است که پسران با رفتار دخترانه و دختران با رفتار پسرانه، اولین آزار کلامی مربوط به ظاهر و رفتار خود را تجربه می‌کنند، که در نتیجه‌ی عدم تناسب با هنجارهای غالب هویت جنسی دگرجنس‌گرایی در جامعه است.^{۱۳۷}

انزوا و بدنام شدن، باعث ناراحتی‌های روحی و سایر مشکلات و بیماری‌های مختلفی می‌شود. در ادامه این ناراحتی، این بچه‌ها از مدرسه رفتن فراری می‌شوند و در نهایت غیبت‌های آن‌ها به اخراج شدنشان از مدرسه منجر می‌گردد.^{۱۳۸} در شرایط فوق‌العاده بحرانی این انزوا و بدنام‌سازی باعث خودکشی، فکر یا تلاش برای این کار توسط این بچه‌ها می‌شود.^{۱۳۹} یک تحقیق در کشور انگلستان نشان داد که ۶۵ درصد از جوانان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی، به علت گرایش جنسی‌شان مورد تمسخر قرار گرفته‌اند و بیشتر از یک چهارم آن‌ها سوءاستفاده فیزیکی شده‌اند.^{۱۴۰} این نتایج مشابه با نتایج بدست آمده از دیگر کشورها است.^{۱۴۱}

یک مساله مهم دیگر، آموزش مسایل جنسی است. حق آموزش شامل حق دسترسی به اطلاعات جامع، صحیح و متناسب با سن افراد در رابطه با جنسیت‌شان باید باشد تا اطمینان حاصل شود که افراد جوان دسترسی به اطلاعات لازم برای داشتن زندگی سالم را دارند. این آموزش‌ها در نهایت باید بتواند جوانان را به گرفتن تصمیمات عاقلانه ترغیب کند تا آن‌ها بتوانند خودشان و دیگران را از بیماری‌های مقاربتی حفظ کنند.^{۱۴۲} گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آموزش، ذکر کرد «برای اینکه تمامی مفاهیم بطور کامل بیان شوند، آموزش‌های جنسی بایستی توجه ویژه‌ای به مساله تنوع و گوناگونی جنسی بکنند؛ چرا که هر کسی حق دارد نسبت به تمایلات جنسی خود تصمیم فردی خود را بگیرد»^{۱۴۳}

جمع‌بندی‌های نهایی کمیته در نیوزیلند (CRC/C/NZL/CO/3-4) پاراگراف ۲۵، اسلواکی (CRC/C/SVK/CO/2) پاراگراف ۲۷-۲۸ و مالزی (CRC/C/MYS/CO/1) پاراگراف ۳۱

۱۳۷ «مذاکره بین‌المللی علیه قلدری و آزار و اذیت همجنس‌گراستیزانه در موسسات آموزشی»، اظهارنامه یونیسکو، جولای ۲۰۱۱. همچنین نگاه کنید به «مسئولیت‌های بخش آموزش نسبت به قلدری همجنس‌گراستیزانه»، یونیسکو، ۲۰۱۲

۱۳۸ برای مثال نگاه کنید به (E/CN.4/2006/45) پاراگراف ۱۱۳

۱۳۹ (E/CN.4/2003/75/Add.1) پاراگراف ۱۵۰۸

۱۴۰ روت هانت و جان جنسن، «تجارب جوانان همجنس‌گرا در مدارس بریتانیایی: گزارش مدرسه»، لندن، استون وال، ۲۰۰۷، صفحه ۳

۱۴۱ «محرومیت اجتماعی جوانان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی در اروپا»، ILGA-Europe و سازمان بین‌المللی جوانان همجنس‌گرا، ۲۰۰۶

۱۴۲ نگاه کنید به کمیته حقوق کودک، تفسیر عمومی شماره ۴ (CRC/GC/2003/4) پاراگراف ۲۶ و ۲۸. همچنین نگاه کنید به کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، برنامه اجرایی، پاراگراف ۷،۴۷. قطع‌نامه کمیسیون جمعیت و توسعه ۱/۲۰۰۹، پاراگراف ۷ و راهنمای بین‌المللی تکنیکی آموزش جنسی یونیسکو، بخش‌های ۲،۳ و ۳،۴

۱۴۳ (A/65/162) پاراگراف ۲۳. همچنین نگاه کنید به «آموزش جامع جنسی: ارائه اطلاعات، مهارت‌ها و دانش مورد نیاز به جوانان»، UNFPA و «استانداردهایی برای آموزش جنسی در اروپا» دفتر منطقه‌ای سازمان جهانی بهداشت در اروپا و مرکز فدرال

به رسمیت شناخته شدن رابطه (زوج‌های همجنس‌گرا)

در بعضی کشورها، دولت مزایایی برای زوج‌های متاهل و ازدواج‌نکرده دگرجنس‌گرا فراهم می‌کند، ولی از اعطای همان حقوق به زوج‌های همجنس‌گرای ازدواج‌نکرده خودداری می‌کند. مثال‌ها شامل حق بازنشستگی، توانایی برای واگذار کردن سرمایه‌های موجود به شریک زندگی زنده در صورتی که یکی از زوج‌ها فوت کند، امتیاز اقامت در خانه‌های دولتی (public housing) در صورتی که یکی از زوجین فوت کند و یا امکان گرفتن اقامت برای شریک زندگی مقیم کشور دیگر. عدم به رسمیت شناختن روابط همجنس‌خواهانه و عدم وجود منع قانونی علیه تبعیض، می‌تواند تبعیض توسط سازمان‌های غیر دولتی شامل موسسات بهداشتی درمانی و سازمان‌های بیمه اجتماعی را دامن بزند.

طبق قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها لازم نیست که به زوج‌های همجنس اجازه ازدواج دهند.^{۱۴۴} با این وجود التزام برای حفاظت افراد از تبعیض بر اساس گرایش جنسی، این تضمین را می‌دهد که میان زوج‌های ازدواج‌نکرده همجنس و دگرجنس‌گرا یکسان رفتار شود و هر دو از تمامی مزایایی موجود به یک اندازه بهره‌مند شوند.^{۱۴۵} کمیته حقوق بشر از اقدامات لازم برای مقابله با تبعیض در این زمینه‌ها استقبال می‌کند. کمیته در جمع‌بندی‌های نهایی خود در مورد کشور ایرلند به دولت هشدار داد تا اطمینان حاصل کند که قوانین وضع شده در مورد روابط شریک مدنی (civil partnerships)، باعث «تبعیض از فرم‌های غیر سنتی این روابط، از جمله مالیات و مزایای رفاهی نشود».^{۱۴۶}

نتیجه‌گیری

دولت‌ها موظف‌اند تا زمینه‌های عدم تبعیض در مورد حقوق تمامی انسان‌ها، صرف‌نظر از گرایش و هویت جنسی آن‌ها، تامین و تضمین کنند. این یک ضرورت فوری و اجباری تحت مقررات بین‌المللی حقوق بشر است. دولت‌ها بایستی قوانین جامعی را به اجرا درآورند که از تبعیض بر اساس هویت و گرایش جنسی در محافل عمومی و خصوصی جلوگیری کنند. این قوانین بایستی شامل راه‌های جبران برای قربانیان تبعیض باشند. دولت‌ها همین‌طور بایستی کمپین‌های افزایش آگاهی و برنامه‌های آموزشی را برای جلوگیری از تبعیض آماده و اجرایی کنند تا بدین وسیله با نگرش تبعیض‌آمیز اجتماعی مبارزه کنند.

برای آموزش بهداشت و درمان، از جمله در صفحه ۲۷

۱۴۴ (IHRR 40 10) و (CCPR/C/75/D/902/1999) ۲۰۰۳

۱۴۵ (CCPR/C/78/D/941/2000) پاراگراف ۱۰،۴

۱۴۶ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در ایرلند (CCPR/C/IRL/CO/3) پاراگراف ۸

۵ - احترام به آزادی بیان، حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز

محدودیت در حق آزادی بیان، بر اساس گرایش و هویت جنسی فرد، ناقض حقوقی است که توسط بندهای ۱۹ و ۲۰ از اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر و بندهای ۱۹ و ۲۱ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حمایت می‌شوند. محدودیت در این حقوق بایستی با مقررات عدم تبعیض و حقوق بین‌المللی مطابقت داشته باشد.



اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر

بند ۱۹: هر فرد حق آزادی عقیده و بیان دارد؛ این حق شامل آزادی عقیده بدون دخالت دیگری و کسب اطلاعات و افکار است.

بند ۲۰ ماده ۱: هر کسی حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

بند ۱۹ ماده ۲: هر فرد حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی پژوهش، تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون ملاحظات مرزی، خواه شفاهی، به شکل نوشته، چاپ یا به شکل هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود فرد است.

بند ۲۱: حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد، جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

بند ۲۲ ماده ۱: هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران را دارد، از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و عضویت در آن برای حمایت از منافع خود.

مواضع اتخاذ شده از سوی سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر

معاهده بین‌المللی حقوق بشر برای هر کسی حق آزادی بیان و اندیشه، حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز را تضمین می‌کند. تمامی این حقوق توسط بندهای ۱۹، ۲۱ و ۲۲ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده‌اند. آزادی بیان به معنای «جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و افکار، صرف‌نظر از هر حد و مرزی، از هر نوعی که باشد، می‌تواند بصورت شفاهی، گفتاری، نوشتاری و یا نقاشی، دیگر اشکال هنری و یا از هر طریق دیگری که شخص دوست داشته باشد، صورت گیرد».^{۱۴۷} برخورداری از حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز، حقی مسلم برای انسان‌هاست. آزادی گردهم‌آیی، شامل پیوستن افراد به یکدیگر برای ابراز، ترویج، تعقیب و دفاع از منافع مشترک آن‌ها می‌شود. آزادی تجمع، به هرگونه قرار و ملاقاتی به صورت عمومی یا خصوصی شامل بر تظاهرات، راه‌پیمایی و رژه اشاره می‌کند. این موارد حقوقی هستند که در بطن یک جامعه مدنی فعال و یک دموکراسی عمل‌گرا وجود دارد. این حقوق همچنین برای فعالیت مدافعان حقوق بشر ضروری خواهد بود.

۱۴۷ بند ۱۹(۲) از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی



زندگی کنید و بگذارید دیگران عاشق شوند

سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر، محدودیت‌های بهره‌مندی سازمان‌ها و دگرباشان جنسی از حق آزادی بیان و حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز بصورت جامع ثبت کرده‌اند. قوانینی که هدفشان مقابله با به اصطلاح «ترویج عمومی همجنس‌گرایی» و یا «تبلیغ همجنس‌گرایی» است، می‌توانند هر گونه بحث عمومی در زمینه همجنس‌گرایی را در نطفه خفه سازند. در بعضی کشورها راهپیمایی‌ها، رژه و سایر گردهم‌آیی‌های دگرباشان جنسی نمیتواند مجوز رسمی دریافت کند و یا این گردهم‌آیی‌ها با خشونت و تهدید از طرف تماشاگران مواجه می‌شود.^{۱۴۸} در همین کشورها بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها یا انجمن‌های غیر دولتی نمی‌توانند مجوز ثبت خود را دریافت کنند.

برای مثال در مورد تهدید به مرگ علیه انجمن جامائیکایی لزبین‌ها، گی‌ها و همه جنسیت‌ها (جی‌فلگ/ JFLAG)، گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آزادی بیان و عقیده، نگرانی خود را این چنین اظهار داشت:

افراد و انجمن‌هایی که از حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا دفاع می‌کنند و بطور ویژه اعضای انجمن جی‌فلگ، ممکن است از طرف عملکرد مقامات دولتی برای سرکوب کردن فعالیت آن‌ها برای برقراری و ایجاد آزادی بیان در خطر قرار بگیرند. علاوه بر این با حملات خشونت‌آمیز

۱۴۸ برای مثال نگاه کنید به گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع شکل‌های نژادپرستی در عصر حاضر (E/CN.4/2006/16/)

(Add.1) پاراگراف ۷۲

از طرف اشخاص همجنس‌گراستیز که ممکن است این عقیده را داشته باشند که دولت قویاً جلوی این فعالیت‌ها را نخواهد گرفت، امنیت‌شان به خطر بیافتد.^{۱۴۹}

بعد از اینکه راه‌پیمایی غرور دگرباشان جنسی در شهر مسکو ممنوع اعلام شد، کمیته حقوق بشر به دولت روسیه اصرار کرد تا «تأماری اقدامات لازم را برای تضمین حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز برای جامعه اقلیت‌های جنسی انجام دهد و اجرای آن را تضمین کند».^{۱۵۰} وقتی پارلمان لیتوانی در حال بررسی پیش‌نویس قانونی بود که حق انتشار عمومی اطلاعات در مورد همجنس‌گرایی را ردغن می‌کرد، گزارش‌گر ویژه در موضوع آزادی عقیده و بیان و مدافعان حقوق بشر، در یک درخواست اضطراری گفتند که «این قانون، حق آزادی بیان و فعالیت قانونی مدافعان حقوق بشر را (و بطور مشخص کسانی که کارشان دفاع از حقوق افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی است)، محدود می‌کند».^{۱۵۱} بطور مشابه گزارش‌گر ویژه در یک نامه مشترک دیگر به نگرانی خود در مورد قانون پیشنهاد شده در جمهوری دموکراتیک کنگو اشاره کردند:

پیش‌نویس این لایحه، بر فعالیت مدافعان حقوق بشر که در رابطه با ترویج و حفاظت از برابری حقوق افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی در جمهوری دموکراتیک کنگو کار می‌کنند، اثر منفی خواهد داشت. پیش‌نویس این لایحه مسلماً باعث افزایش

آسیب‌پذیری وضعیت مدافعان حقوق بشر خواهد شد؛ برای اینکه از زمان تصویب آن، آن‌ها ممکن است هدف حمله و ارعاب هم از طرف مقامات دولتی و هم مردم عادی قرار گیرند.^{۱۵۲}

دولت‌ها اغلب با استناد به «عفت و اخلاق عمومی» محدودیت‌های موجود بر حق آزادی بیان و حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز سازمان‌ها و افراد را توجیه می‌کنند. میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی می‌گوید که دولت‌ها در یک جامعه دموکراتیک و برای رسیدن به یک هدف مشروع و ضروری می‌توانند محدودیت‌هایی از جانب قانون برای این حق افراد قائل باشند. تمام موارد محدودیت دولت‌ها بر این حق در بندهای ۱۹، ۲۱ و ۲۲ قید شده‌اند، آن‌ها مشابه یکدیگر هستند و همه آن‌ها شامل حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی جامعه می‌شوند. با این حال قوانین محدودکننده این حقوق «باید خود را

در بعضی کشورها

راه‌پیمایی‌ها، رژه و سایر

گردهم‌آبی‌های دگرباشان

جنسی نمی‌تواند مجوز

رسمی دریافت کند و یا این

گردهم‌آبی‌ها با خشونت و

تهدید از طرف تماشاگران

مواجه میشود.

۱۴۹ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آزادی بیان و عقیده (E/CN.4/2005/64/Add.1) پاراگراف ۴۹۴ و گزارش نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در مورد مدافعان حقوق بشر (E/CN.4/2005/101/Add.1) پاراگراف ۳۴۲

۱۵۰ جمع‌بندی‌های نهایی کمیته حقوق بشر در فدراسیون روسیه (CCPR/C/RUS/CO/6) پاراگراف ۲۷

۱۵۱ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آزادی بیان و عقیده (A/HRC/14/23/Add.1) پاراگراف ۱۴۰۵

۱۵۲ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آزادی بیان و عقیده (A/HRC/17/27/Add.1) پاراگراف ۶۷۶ (ترجمه غیر رسمی)

با مفاد، اهداف و مقاصد میثاق بین‌المللی سازگار کنند» و نباید مقررات مربوط به عدم تبعیض در میثاق بین‌المللی را نقض کنند.^{۱۵۳}

مقررات راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر موارد نقض حقوق مدافعان حقوق بشر در رابطه با حق آزادی بیان و عقیده را ثبت کرده‌اند. نقض حقوق مدافعان دگرباشان جنسی و دوجنسه و کسانی که با این موضوعات کار می‌کنند نیز به طور گسترده مستند کرده است.^{۱۵۴} چنان‌که نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در مورد حقوق بشر این مدافعان اظهار داشت:

در موارد متعددی از همه مناطق، پلیس یا مقامات عالی‌رتبه دولتی متهم به خشونت و تهدید علیه فعالان حقوق (اقلیت‌های جنسی) هستند. در بسیاری از این موارد مقامات تظاهرات، کنفرانس‌ها و جلسات این فعالان را ممنوع و از ثبت رسمی سازمان‌هایی که برای حقوق اقلیت‌های جنسی کار می‌کنند نیز جلوگیری کرده‌اند. همچنین افسران پلیس، آن‌طور که ادعا شده، مدافعین حقوق اقلیت‌های جنسی را مورد ضرب و شتم و حتی تجاوز جنسی قرار داده‌اند. مقامات، عموماً در اقدامات خود علیه مدافعان حقوق دگرباشان جنسی، «مردم» را بهانه می‌کنند. با این استدلال که «مردم»، تظاهرات، سازمان‌ها، فعالیت‌ها و حتی حضور دگرباشان جنسی (زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترانجسی و دوجنسه) را در جامعه تحمل نمی‌کنند. نماینده ویژه بندهای ۲ و ۱۲ از اعلامیه مدافعان حقوق بشر را برای تذکر به دولت‌ها نسبت به مسئولیت خود برای حفاظت از این مدافعان در برابر این گونه خشونت و تهدیدها یادآوری می‌کند.^{۱۵۵}

برابر با بند ۱۹ از اعلامیه، راه‌کارهای ویژه سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر متحد مجدداً بر حق آزادی بیان که حقی است در اختیار همه، صرف نظر از گرایش و/یا هویت جنسی آن‌ها، تاکید کرده‌اند.

^{۱۵۳} کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۳۴ (بند ۱۹) پاراگراف ۲۶، همچنین نگاه کنید به تفسیر عمومی شماره ۲۲ (بند ۱۸) پاراگراف ۸. (محدودیت‌ها ممکن نیست برای اهداف تبعیض‌آمیز تحمیل و در روش‌های تبعیض‌آمیز به کار گرفته شوند).

^{۱۵۴} خطر گسترده برای مدافعان دگرباشان جنسی: گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع حقوق مدافعان حقوق بشر: (A/HRC/16/44) پاراگراف ۳۷ و ۴۳ و ۸۵، (A/HRC/13/22) پاراگراف ۴۹، (A/HRC/10/12) پاراگراف ۲۱ و ۶۵ و ۷۲ و ۸۲، (A/HRC/4/37) پاراگراف‌های ۹۳-۹۶، گزارش سالانه‌ی نماینده ویژه به مجمع عمومی (A/61/312) پاراگراف ۷، گزارش نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در مورد مدافعان حقوق بشر (C/CN.4/2001/94) پاراگراف ۸۹، گزارش‌های گزارش‌گر ویژه در موضوع ارتقاء و حفاظت از آزادی بیان و عقیده: (A/HRC/17/27/Add.1) پاراگراف‌های ۶۷۱-۶۷۶ و ۱۶۵۴-۱۶۵۹ و ۲۲۳۱-۲۲۳۸ و ۲۰۱۸-۲۰۱۲، (A/HRC/14/23/Add.1) پاراگراف‌های ۴۸۵-۵۰۵ و ۱۰۱۸-۱۰۴۸ و ۲۴۸۳-۲۴۸۹ و ۲۵۰۸-۲۵۱۲ و ۲۰۹۳-۲۱۱۳ و ۱۴۰۰-۱۴۱۴، (A/HRC/14/23/Add.2) پاراگراف ۵، (A/HRC/7/14/Add.1) پاراگراف‌های ۵۲۹-۵۳۰، (E/CN.4/2006/55/Add.1) پاراگراف ۱۰۴۶، (E/CN.4/2005/64/Add.3) پاراگراف‌های ۷۵-۷۷، (E/CN.4/2002/75/Add.1) پاراگراف‌های ۱۲۲-۱۲۴، (E/CN.4/2005/64/Add.1) پاراگراف‌های ۴۹۶ و ۶۴۸ و ۷۹۰ و ۹۷۲ و ۹۸۱

^{۱۵۵} گزارش نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در مورد مدافعان حقوق بشر (A/HRC/4/37)، پاراگراف ۹۶

درباره پیش‌نویس یک قانون در نیجریه که طرفداری و حمایت عمومی از حقوق دگرباشان جنسی را با تنبیه و جریمه روبه‌رو می‌کرد، نماینده ویژه مدافعان حقوق بشر اظهار داشت: «به‌طور خاص، نگرانی‌های جدی نسبت به محدودیت‌هایی ابراز می‌شود که قانون برای آزادی بیان و تجمعات مدافعان حقوق بشر و اعضای جامعه مدنی، هنگام دفاع از حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، ایجاد می‌کند.»^{۱۵۶} به‌طور مشابه، زمانی که لایحه ضد همجنس‌گرایی در اوگاندا در سال ۲۰۰۹ معرفی شد، دو گزارش‌گر ویژه در نامه مشترک خود گفتند:

«این لایحه به ناحق، با ممنوعیت انتشار و اشاعه اطلاعات پیرامون همجنس‌گرایی و همچنین ممنوعیت کمک‌های مالی و حمایت از فعالیت‌های مرتبط، به‌طور فزاینده مانع از اجرای حق آزادی بیان و عقیده و حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز می‌شود.»^{۱۵۷}

گزارش‌گر ویژه در موضوع ارتقا و حفاظت از حق آزادی بیان و عقیده در گزارش بازدید خود از کشور کلمبیا تاکید کرد که «شهروندان، صرف نظر از مواردی مانند گرایش جنسی‌شان، حق آزادی بیان، پژوهش و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار خود را دارند»^{۱۵۸}

نتیجه‌گیری

دولت‌ها می‌بایست حامی حق آزادی بیان، حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز را برای هر کس، صرف نظر از جنس، گرایش یا هویت جنسی او باشند. دولت‌ها باید تضمین کنند که هیچ‌یک از محدودیت‌های اعمال شده در این قوانین تبعیض‌آمیز نیستند. به‌منظور حفاظت از استمرار اجرای این حقوق، دولت‌ها باید از اعمال خشونت‌آمیز و ارباب‌جووانه صورت گرفته توسط گروه خاص، جلوگیری کنند و به این موارد رسیدگی و مجازات موثر در مورد آن داشته باشند.

۱۵۶ گزارش نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در مورد مدافعان حقوق بشر (A/HRC/4/37/Add.1) پاراگراف ۵۱۱

۱۵۷ بیانیه مشترک از گزارش‌گر ویژه در موضوع مدافعان حقوق بشر و گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آزادی بیان و عقیده، ۱ مارس ۲۰۱۰

۱۵۸ گزارش گزارش‌گر ویژه در موضوع حق آزادی بیان و عقیده در ماموریتش به کلمبیا (E/CN.4/2005/64/Add.3) پاراگراف ۷۶ و ۷۵

نتیجه گیری

همان طور که فصل‌های این جزوه نشان می‌دهد، حفاظت از دگرباشان جنسی از خشونت و تبعیض نه نیاز به ایجاد یک مجموعه جدیدی از حقوق ویژه برای اقلیت‌های جنسی دارد و نه نیاز به ایجاد استانداردهای جدید بین‌المللی حقوق بشر خواهد داشت. بر خلاف تمام پیچیدگی‌ها و بحث‌های سیاسی در مورد برابری دگرباشان جنسی در سازمان ملل متحد، از منظر حقوقی این مساله بسیار ساده و آسان بیان شده است. التزاماتی که دولت‌ها برای حفاظت از دگرباشان جنسی از نقض حقوق بشر آن‌ها دارند، در حال حاضر به خوبی مشخص شده است و در تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد، اجرای آن الزام‌آور است.



این جزوه می‌خواهد منبع و دامنه تعهدات قانونی دولت‌ها و جوامع را مشخص کند. این کار را با اشاره به تعداد قابل توجهی از تصمیمات، توصیه‌ها و راهنمایی‌های سازوکارهای سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر انجام داده است. این جزوه، مسئولیت‌های دولت را که در آن اقدام ملی ضروری و مورد نیاز است به پنج حوزه اصلی تقسیم می‌کند: حفاظت از خشونت، پیش‌گیری از شکنجه، جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی، منع تبعیض و احترام به آزادی بیان، حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز.

در سال‌های اخیر، بسیاری از دولت‌ها تلاش فزاینده‌ای برای تقویت حمایت از حقوق بشر در هر یک از این پنج حوزه داشته‌اند. مجموعه‌ای از قوانین جدید در این کشورها تصویب شده است - از جمله قوانین ممنوعیت تبعیض، مجازات جرائم ناشی از تنفر ضد همجنس‌گرایی، به رسمیت شناختن روابط



همجنس‌خواهانه و آسان‌تر کردن شرایط برای افراد تراجنسی برای به دست آوردن اسناد رسمی که بیان‌کننده جنس مورد نظر خود آن‌هاست. برنامه‌های آموزشی برای پلیس، زندان‌بانان، معلمان، مددکاران اجتماعی و سایر پرسنل به شکل گسترده‌تری اجرا شده است و اقداماتی برای مبارزه با قلدری در بسیاری از مدارس صورت گرفته است.

در سال‌های آینده، کارهای بسیار بیشتری در مقابله با تعصب و محافظت از دگرباشان جنسی در همه کشورها برای مبارزه با خشونت و تبعیض بایستی انجام شود. دفتر کمیسر عالی حقوق بشر (OHCHR) امیدوار است که این جزوه کمکی باشد در خلق یک منبع عملی برای تمام کسانی که به منظور تغییر کار می‌کنند؛ خواه سازمان ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای، دولت‌ها، نهادهای ملی حقوق بشر و یا جامعه مدنی.

در رابطه با این جزوه با آدرس‌ها می‌توانید مکاتبه کنید

دفتر سازمان کمیسر عالی حقوق بشر

سازمان ملل متحد در ژنو

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights
United Nations Office at Geneva
8-14, Avenue de la Paix
1211 Geneva 10 Switzerland

دفتر نیویورک

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights
United Nations
New York, NY 10017
United States of America

با قدردانی از دست اندرکاران

تهیه شده توسط دفتر سازمان کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در نیویورک.
مشاور: ایسون جرنو، پروژه گرایش و هویت جنسی، کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان (ILC)، ژنو

عکس‌ها از:

Emma K. Lydersen / ماموریت سازمان ملل متحد در نروژ (صفحه ۹)

Luca Zennaro / EPA (صفحه ۱۰)

Zsolt Szigetvary/ EPZ (صفحه ۱۷)

Jordi Matas (صفحه ۲۳)

Orlando Barria/EPA (صفحه ۲۶)

Gil Yarri/EPA (صفحه ۳۱)

Tatyana Zenkovich/EPA (صفحه ۳۵)

Francis R. Malasig/EPA (صفحه ۳۶)

Jim Lo Scalzo/EPA (صفحه ۴۱ و ۵۷)

Divyakant Solanki/EPA (صفحه ۴۳)

Jagadeesh NV/EPA (صفحه ۴۷)

Zsolt Szigetvary/EPA (صفحه ۵۲)

Abir Sultan/EPA (صفحه ۵۴)

United Nations Photos (صفحه ۵۸)

طرح و طراحی:

Stefan Einarsson / www.stefaneinarsson.com

چاپ شده در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک

ترجمه شده توسط کمیسیون بین‌المللی حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا.



آزاد و برابر زاده شده‌ایم

«کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید تضمین کنند که گرایش جنسی یک فرد، مانع احقاق حقوق عنوان شده در میثاق بین‌المللی نمی‌شود... علاوه بر این، هویت جنسی را به خاطر ممنوعیت زمینه‌های تبعیض، به رسمیت بشناسند.»

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۲۰ (۲۰۰۹)

«تبعیض علیه زنان بر اساس جنس و جنسیت به طور جدایی‌ناپذیری همراه با فاکتورهای موثر دیگر بر روی زنان مانند گرایش و هویت جنسی آنان است.»
کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد، توصیه عمومی شماره ۲۸ (۲۰۱۰)

«دولت‌های عضو کنوانسیون منع شکنجه باید این اطمینان را ایجاد کنند که تاکنون به تعهدات خود تحت این کنوانسیون مربوط به قوانین‌شان عمل کرده‌اند. دولت‌ها باید تضمین دهند این قوانین برای همه صرف نظر از گرایش جنسی و هویت تراجنسی افراد اجرا می‌شوند.»

کمیته مبارزه با شکنجه سازمان ملل متحد، تفسیر عمومی شماره ۲ (۲۰۰۹)

«اجازه دهید به کسانی که همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا یا تراجنسی هستند، بگوییم: شما تنها نیستید. مبارزه شما برای پایان دادن خشونت و تبعیض یک مبارزه مشترک جهانی است. هر گونه حمله به شما، حمله به ارزش‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد است و من سوگند خورده‌ام که از این موضوع، دفاع و حمایت کنم. امروز من کنار شما ایستاده‌ام و همه کشورها و مردمان را فرامی‌خوانم تا کنار شما بایستند.»

دبیر کل سازمان ملل متحد

بان کی مون، مارس ۲۰۱۲

«وقتی که من مساله خشونت و تبعیض علیه افراد بر اساس گرایش و هویت جنسی‌شان را عنوان کردم، عده‌ای شکایت داشتند که من در تلاش برای ایجاد «حقوق نو» یا «حقوق ویژه‌ای» برای این افراد هستم. با این وجود نیازمند حقوق جدید یا ویژه‌ای نسبت به حق زندگی و حریم خصوصی افراد و حق رهایی از تبعیض آنها نیستیم زیرا این حقوق و تمامی دیگر حق‌ها جهان‌شمول هستند: تمامی آنها در قوانین بین‌المللی درج شده است اما برای خیلی از هم‌نوعان ما به دلیل گرایش یا هویت جنسی‌شان انکار می‌شوند.»

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

ناوی پیلائی، ۲۰۱۲

«ممنوعیت تبعیض تحت بند ۲۶ (از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی) شامل تبعیض بر اساس گرایش جنسی نیز می‌شود.»

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد

پرونده ایکس علیه کشور کلمبیا (۲۰۰۷)